

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زین

پیام حضرت آیت الله
سیحانی به مناسبت آغاز
سال تحصیلی جدید
دانشگاهها!

ضرورت تحول
علوم انسانی



سال سی و هفتم ♦ شماره ۱۲ ♦ شماره مسلسل ۱۵۳۰ ♦ نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

سقوط به سبک بنی سعود

استاد خسروشاهی

با آغاز ماه ذی‌الحجه، فاجعه
منا بار دیگر در کانون توجه افکار
عمومی ایرانیان قرار گرفته و
مواضع عزتمندانه مسئولان عالی
کشور، به‌ویژه مقام معظم رهبری
و ریاست جمهور، جناب دکتر
روحانی، در این باره، در رسانه‌های
منطقه و جهان بازتاب یافته است.



نگارنده چند ماه قبل در یادداشتی در روزنامه «شرق»، خواستار ایجاد هم‌گرایی بین
ایرانیان و همه مسئولان و مراجع تقلید، برای حضور نیافتن در حج تمتع امسال شدم.
سیر تحولات و مذاکرات طرف ایرانی با هیأت سعودی هم نشان داد اساساً با این حکومت
نمی‌توان از باب تفاهم و احترام متقابل سخن گفت. فریضه الهی حج، این روزها بیش از
هر زمانی، گروگان رفتارهای بنی‌سعود در منطقه و جهان قرار گرفته است. پاسخ‌گوبودن
در قبال فاجعه کشتار حجاج ابراهیمی در حج سال گذشته و بیان نشدن یک عذرخواهی
ساده از سوی آنان، در کنار تداوم جنایت در یمن، سوریه و عراق به‌وسیله داعش و سایر
گروه‌های تکفیری که در مدارس و دانشگاه‌های وهابیت در مکه و مدینه آموزش فکری
دیده‌اند و امروز هم از دلارهای نفتی سعودی تغذیه می‌کنند و رفتارهای خصمانه در
قبال جمهوری اسلامی ایران که تا کارشکنی در بخت‌نرسیدن برجام و پیوند آشکار
با صهیونیست‌ها پیش رفت، به خوبی نشان می‌دهد نمی‌توان انتظار بازگشت روابط
دیپلماتیک را به فضای معمول داشت.

ادامه در صفحه ۵

دکتر محمد جواد ظریف

بیاید از جهان
وهایت خلاص
شویم



صفحه ۲

آیت الله اراکی:

سند تعهد
«عبدالعزیز
آل سعود»



صفحه ۶

نشست خبری رئیس
مطالعات تقریب
درباره موسوعه «السنه
النبویه فی مصادر
المذاهب الاسلامیه»



صفحه ۶

استاد خسروشاهی:

التقاط اولیه سازمان،
ناشی از سرخوردگی
از ارتباط با
روحانیت است



صفحه ۴



خاطرات دکتر حسن حبیبی
از امام موسی صدر

صفحه ۲

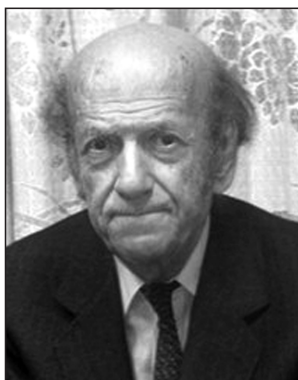
نفی وهابیت! در
کنفرانس چچن

صفحه ۷

در آستانه عید غدیر نام متفکر دلدادۀ علی (ع) بر خیابانی در تهران نقش بست

جرج جرداق میهمان همیشگی تهران شد

انقلاب و يك دنيا عظمت و تفوق
بر شخصیت‌هایی چون سقراط
و فلاسفه یونانی می‌داند که در
بررسی مفاهیم ادبیات آنها، با
استناد به اصول منتشر شده آنها
و امام، برتری را از آن تعلیم و
رهنمودهای امام نشان می‌دهد.
در نهایت اینکه در ایران هم مانند
دیگر کشورهای اسلامی و عربی،
کمتر کسی است که نام «جرج
جرداق» و کتاب ارزشمند او را
نشنیده باشد.



با تصویب شورای شهر تهران،
خیابان حد فاصل استاد نجات
اللهی و سپهبد قرنی که سفارت
لبنان نیز در آن واقع است به نام
جرج جرداق متفکر بزرگ لبنانی
و نویسنده کتاب «امام علی(ع)
صدای عدالت انسانی» نامگذاری
و روز گذشته تابلوی این خیابان
نصب شد.

جرج جرداق، دانشمندی
مسیحی بود که عشق و علاقه‌اش
به حضرت علی(ع) شهرت

مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۶
شهرداری تهران که خیابان جرج جرداق در آن
واقع است، درباره نامگذاری این خیابان می‌گوید:
این نامگذاری بنا به درخواست بنیاد بین‌المللی
نهج‌البلاغه به شورای شهر انجام شد که يك
خیابان یا يك معبر در سطح شهر تهران، به پاس
تلاش و خدمات مرحوم جرج جرداق به خاطر
انتشار و بسط تفکر حضرت امیرالمؤمنین و
تلاشی که وی به عنوان يك نویسنده و پژوهشگر
لبنانی در مورد حضرت علی(ع) انجام داده است،
ثبت‌شود.

حجت‌الاسلام احد آزادی‌خواه، سخنگوی
کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در
همین خصوص تصریح می‌کند: نامگذاری یکی از
خیابان‌های تهران به نام جرج جرداق موجب ایجاد
انگیزه مضاعف سایر اندیشمندان و فرهیختگان
برای روی آوردن به دین اسلام و تبلیغ آن است.
لازم به ذکر است جرج جرداق در سال ۹۳ و در
سن ۸۸ سالگی چشم از جهان فرو بست.

جهانی داشت و سال‌های متمادی از عمرش را
صرف تحقیق و نگارش کتاب درباره حضرت
علی(ع) کرد. سیدهادی خسروشاهی، رئیس اسبق
نمایندگی سیاسی ایران در قاهره درباره شخصیت
علمی و فرهنگی جرج جرداق می‌گوید: جرداق
با درک تعلیم تحریف نشده عیسی مسیح(ع) و
شنیدن صدای محمد(ص) در مهد نبوت و اخذ و
هضم مبانی و اصول امام علی(ع) در اداره جامعه
و دوری از ظلم و ستم و اجرای عدل و قسط در
تمامی دنیا و برای همه انسان‌ها، با تلاشی پیگیر و
خستگی‌ناپذیر به تألیف فرهنگ‌نامه امام علی(ع)
پرداخت و سرانجام با اینکه همچنان و تا آخر عمر
به عیسی مسیح باور داشت، امام علی(ع) را رهبر
واقعی و معنوی خود می‌دانست و در راه تحقق
آرمان‌های والای امام علی(ع) به ویژه در مسیر عدل
و قسط، يك عمر کوشید.

خسروشاهی می‌افزاید: در واقع و در يك جمله،
جرج جرداق، امام علی(ع) را فقط يك فرد یا يك
شخص نمی‌داند، بلکه او امام علی(ع) را به مثابه يك

اخلاق و سیاست

علی جنتی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



فیلسوفان قدیم، اخلاق را مقدمه
سیاست می‌دانستند؛ آنچنان که ابونصر
فارابی، غایت دانش‌ها و ارزش‌های انسانی
را در «سیاست مدن» می‌جست. با این
حال، اخلاق و سیاست در طول تاریخ،
تناقضی دیرین و دائمی داشته‌اند. اخلاق،
نه فقط در حکومت‌های خودکامه قدیم دائماً پایمال
شده، بلکه حتی در نظام‌های دموکراتیک معاصر نیز به
قربانگاه عملکردی سیاسی رفته است؛ تا آنجا که برخی
گمان کرده‌اند «سیاست» ذاتاً ضد «اخلاق» است.

در جهان امروز، فقدان اخلاق نه فقط در جوامع
غیر دینی، مصیبت آفرین است؛ بلکه خشونت‌های
زشت و ننگینی نیز که به نام دین در منطقه انجام
می‌شود، جدایی پورسته دین از حقیقت اخلاقی آن
را نشان می‌دهد. در چنین شرایطی انتظار می‌رود
که دست کم در ایران، اندیشه بزرگانی چون
فارابی، خواجه نصیر، امام خمینی(ره) و شهید
مطهری، الگوی سیاست ورزی باشد؛ بزرگانی که
سیاست را نهادی در خدمت فضایل اخلاقی و
تلفیقی از اخلاق، شریعت و عدالت می‌دانستند.
امام خمینی(ره) در تأسیس جمهوری اسلامی،
به حکومت پیامبراکرم(ص) در مدینه نظر داشت
که با گفت‌وگوی اخلاقی و استدلالی به قدرت
دست یافت و آن گاه بر مشارکت و رضایت جمعی
شهروندان تکیه کرد. با پیمان برادری، مهاجر و
انصار را با یکدیگر پیوند داد و موقعیت اجتماعی و
کینه‌های دیرینه قبایل عرب را در بوته نهاد. امام در
تأسیس جمهوری اسلامی به حکومتی نظر داشت
که قرن‌ها پیش از نظریه «قرارداد اجتماعی»، بر
محور پیمان با مردم تشکیل شد و «بیعت» با حاکم
را گواه آن گرفت که دولت، بیش و بیش از هر چیز

در گرو رضایتمندی شهروندان است.
با این همه و با وجود پیوند استوار
سیاست و اخلاق در نظریه حکومتی
امام(ره)، متأسفانه ایران کنونی، شاهد
رواج بی‌سابقه بی‌اخلاقی‌های سیاسی
است. توهین‌ها، دروغ‌ها و تهمت‌های
سازماندهی شده به خدمتگزاران نظام
و نهادینه کردن آن، اکنون نه تنها
هزینه‌ای برای مرتکبان ندارد، بلکه از سوی برخی،
مورد تأیید و تشویق نیز قرار می‌گیرد و از آن بدتر،
توجیه دینی و اخلاقی هم می‌شود! آنچه بر ناگواری
این روند می‌افزاید، نهادینه شدن حملات بی‌سابقه
علیه دولت برای کاهش حقوق و آزادی‌های مشروع
مردم و افزایش نگاه قیّم مآبانه به آنان است.

سازمان دهندگان حملات علیه دولت با هدف
اعمال سلطه بر مردم و گسترش دایره تجسس در
عقاید و رفتار آنان می‌کوشند تا ساز و کار «خود-
مصلحت انگاری» را جایگزین الگوی «رضایتمندی
شهروندان» کنند.

پیامد این همه بی‌اخلاقی در فضای سیاسی،
جدایی «ارزش»‌های انسانی از «روش»‌های دستیابی
به قدرت است؛ آن هم در کشوری که با اتکا به
نظریه حکومتی خود می‌توانست و می‌تواند نمونه
اخلاقی‌ترین جامعه سیاسی در جهان شناخته شود.
ایران امروز، صحنه حضور جریان‌های سیاسی
گوناگونی است که شاید هر یک قادر باشند برای
تحقق رضایتمندی مردم، پاسخ‌هایی ارائه کنند.
چالش این جریان‌ها با یکدیگر اگر از مدار اخلاق
بیرون افتد، علاوه بر ولنگاری سیاسی، تخریب
فرهنگ عمومی را در پی خواهد داشت؛ دردی که
علاج آن، نظم بخشی به عناصر سیاسی درون نظام
بر مدار اخلاق و احترام به رأی و رضایت شهروندان
است.

حضرت آیت الله جعفر سبحانی به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پیامی صادر کردند که متن پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم
يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
(خداوند مقام اهل ایمان و دانشمندان را به درجاتی رفعت و بزرگی می دهد و خداوند به آنچه انجام می دهید به خوبی آگاه است). (آیه ۱۱ سوره مجادله)

ضمن تبریک به مناسبت عید غدیرخم، عید ولایت و عید حاکمیت همه ارزش های الهی و انسانی و عدالت همه جانبه و نیز تبریک به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید دانشگاه‌ها با عرض پوزش مطالبی را خدمت اساتید و اندیشمندان و دانشجویان و همه مسئولین دانشگاهی عرض می‌نمایم.

همت و تلاش شما عزیزان دانشگاهی، در دست یابی به قله های رفیع دانش و کسب فضایل اخلاقی

دیدار در پاریس

خاطرات دکتر حسن حبیبی و خانم شفیقه رهیده

موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر؛ چاپ اول، ۱۳۹۵

یکی از افرادی که با امام موسی صدر از نزدیک آشنایی داشت و جزو آخرین کسانی بود که با ایشان ملاقات کرد، دکتر حسن حبیبی معاون اول رئیس‌جمهور در دوران سازندگی و اصلاحات و یکی از اعضای هیات تدوین قانون اساسی ایران بود. حبیبی در آخرین روزهای زندگی خود به درخواست موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر گفت‌وگویی داشت و از ایشان و آخرین روزهایی گفت که امام موسی صدر دیده شده است. گفت‌وگویی که در کتابی بعد از درگذشت ایشان منتشر شده و زاویه‌های تازه‌ای در پرونده امام موسی صدر باز کرده است. در این گفت‌وگو خانم حورا صدر فرزند امام موسی نیز حضور داشته و در بعضی از مباحث وارد می‌شود. نکته قابل توجه این گفت‌گو حواشی آن است که برخی پاسخ‌های گنگ و سؤالات بی‌جواب دکتر حبیبی را کامل می‌کند.

آخرین شب

دکتر حبیبی خاطرات آخرین دیدارش با امام موسی صدر را اینگونه روایت کرده است: «شب آخری که امام (موسی صدر) می‌خواستند (به لبنان بروند و از آنجا) عازم لیبی شوند، با هم بودیم. تا اواخر شب نشستیم و در خدمت ایشان بودیم... وقت به صحبت‌های متفرقه گذشت، شما بهتر می‌دانید که امام موسی صدر کم‌خواب بودند. گفت‌وگو که تمام شد، از ایشان خواستم پیش از رفتن استراحت کنند که گفتند نه، دیگر فرصتی برای استراحت نیست. به هر حال با خواهش و تمنا ایشان را قانع کردیم که دو ساعتی استراحت کنند. هنگام خداحافظی گفتم سفر به خیر باشد و انشالله باز هم شما را همین ایام ببینیم. گفت رفتنش که با خودم است، ولی بازگشتش را نمی‌دانم. به هر حال این آخرین خاطره‌ای است که همیشه در یاد من مانده است. صحنه آخری که ایستاده بودیم، قامت بلند ایشان را به خوبی در یاد دارم.»

این دیدار درست چند روز پیش از سفر بی‌سرانجام سید موسی صدر به لیبی در پاریس

و معنوی نه تنها سر بلندی کشور را به ارمغان می آورد، بلکه در سطح جهانی، تبلیغی برای نظام اسلامی خواهد بود. عزیزان دانشجو، فرصت جوانی را قدر بدانید و در راه تقویت و تحکیم ایمان و کسب علم مفید و انجام اعمال صالح و احترام به اساتید بزرگوار ،تمام همت خود را به کار گیرید که کوچکترین اهمال در این حوزه زیان های جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت.

اساتید بزرگوار؛ دانشجویان، فرزندان و برادران شما هستند که علاوه بر تعلیم علوم مورد نیاز جامعه به پرورش و تزکیه این عزیزان همت گمارید، زیرا که نسل عالم و متخلق و متدین کشور را از هر جهت تعالی داده و از نفوذ اجانب ایمن خواهد ساخت.

دختران عزیز دانشجو شما مادران نسل آینده این کشور هستید؛ سعی کنید با خودسازی و کسب علم مفید، و رعایت حجاب، عفاف و پاکدامنی خود در رشد تمدن بزرگ اسلامی سهیم باشید. امروزه دست های ناپاکی وجود دارد که سعی وافر در بی عفتی و بی اخلاقی دختران و زنان جامعه دارد. با عفاف و حجاب خود در راه خدا مجاهدہ نمایید که ثواب مجاهد فی سبیل الله را دارید.

امروز استعمارگران، در تلاشند که اسلام عزیز را مخالف هر گونه پیشرفت در حوزه علم و دانش

ضرورت تحول علوم انسانی

بدانند، در حالی که قرآن کریم و پیامبر عزیز اسلام (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) به علم و عالم ارزش زیادی می دهد با همین ارزش دادن به جایگاه عالمان در جامعه اسلامی بود که در مدت اندکی، تمدن بزرگ اسلامی هویدا گشت.

همچنین امروز استعمارگران در تلاشند که اسلام عزیز را که موجب حیات جوامع انسانی است، مخالف اخلاق و مدافع خشونت و تروریست قلمداد نمایند.

در صورتی که اسلام عزیز مدافع صلح و دوستی و مخالف خشونت و تروریست می باشد، به گونه ای که پیامبر گرامی اسلام (ص) هدف بعثت خود را اكمال مکارم و فضایل اخلاقی می داند (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق). امروز استعمارگران و گروه‌های خشن و خارج از اسلام سعی می کنند هر گونه جنایت غیر انسانی و وحشیانه را به نام اسلام جلوه دهند که ساحت اسلام مبرای از این وحشی گری هاست.

آنان سعی می نمایند که با این بهانه ها، جوانان عزیز دانشگاهی را از دین و معنویت و اخلاق، رویگردان کنند.

سعی نمایید که با کسب علم و وفضایل اخلاقی و کمالات دینی، و ایمان خود به آنان نشان دهید که اسلام حامی علم، اخلاق و معنویت و صلح و دوستی

خاطرات دکتر حسن حبیبی از امام موسی صدر

کیست. من هم ایشان را می‌شناختم. ولی این که یک مرتبه دو طرف، ظرف چند دقیقه بتوانند ارتباط برقرار کنند، مربوط به رفتار ایشان می‌شد.» حبیبی به خاطراتی که در پاریس از امام موسی صدر داشتند اشاره می‌کند و با یادآوری این نکته که در آخرین شب دیدارشان کتاب اخلاق ناصری محور گفت‌وگویشان بود درباره اختلافات نظرشان گفت: «مثلا من گفتم که خواجه نصیر یکی از افرادی است که در سلسله روات حدیث قرار دارد و از لحاظ فقهی تعدیل می‌شود. چنین حرف‌هایی هم زده و ایشان هم می‌گفت عجب این جور بوده؟ ولی این‌ها فایده ندارد، خواجه نصیر خواجه نصیر است.»

تلاشی که متوقف شد

دکتر حبیبی درباره اتفاقاتی که بعد از ربوده شدن امام موسی صدر و اقداماتی که برای مشخص شدن سرنوشت ایشان رخ داد هم گفت: «همان زمان بعد از پیروزی انقلاب، این بحث پیش آمد که هیاتی به لیبی برود. با توجه به این که من عضو شورای انقلاب بودم و مسئولیت‌هایی داشتم، با من صحبت کردند که بروم. یکی دو نفر دیگر هم قرار بود بیایند، یادم نیست آقای صدر (حاج سیدجوادی) هم بود یا نه، ولی در جریان بود. ولی از طرق دیگری نگذاشتند این کار انجام شود، یعنی شورای انقلاب هم موافق بود و استقبال می‌کرد. بعد از آن هم ما چند جلسه داشتیم، یکی از آن‌ها را که یادم هست در منزل آقای صدر بود. جلسه داشتیم که ببینیم برای تعقیب این جریان چه کار می‌شود کرد. به هر حال اولین اقدامی که پس از پیروزی انقلاب می‌خواست انجام بشود، همین هیات اعزامی شورای انقلاب بود که از قم نگذاشتند.»

او این مخالفت را خارج از بیت امام خمینی دانسته و گفته است: «حضرت امام در آن زمان تهران بودند، چون امام مدتی تهران ماندند. نهم اسفند (۵۷) به قم رفتند. ولی قضیه این هیات مربوط به قبل این تاریخ بود.»

در پانویس این گفت‌وگو به جلد دوم خاطرات صادق طباطبایی اشاره شده که در آن آمده است کمیته تحقیق وضعیت امام موسی صدر متشکل از وزیر دادگستری، دو یا سه حقوقدان و نمایندگان دادستانی و دادگاه ایتالیایی و نماینده قضایی دولت لبنان به ریاست طباطبایی تشکیل شد. شب پیش از اعزام این کمیته، نماینده لیبی در بیت آیت‌الله

و همزیستی مسالمت آمیز است و ساحت اسلامی از این جنایات تکفیر ی ها بدور می باشد. همچنین از همه مسوولین دانشگاهی درخواست می کنم، که با رفتار پدرانہ و دلسوزانه زمینه رشد علمی و فرهنگی و اخلاقی و دینی دانشجویان عزیز را فراهم نمایید و از هیچ کوششی در این راه دریغ نوزید.

با توجه به این که نیمی از جمعیت دانشجویی در حوزه علوم انسانی هستند، مساله تحول علوم انسانی را باید جدی گرفت. سر فصل های دروس و متون آموزشی باید به گونه ایی تدوین گردد که حقانیت و اتقان تفکر اسلامی برجسته باشد؛ لذا باید از همه ظرفیت ها در جهت تحول علوم انسانی استفاده نمود. همچنین از همه متولیان امر درخواست میکنم که به گونه ایی برنامه ریزی نمایند که پایان نامه ها ورساله های کارشناسی ارشد و دکتری و نیز تحقیقات اساتید در جهت رفع نیازهای جامعه باشد.

در پایان برای همه اساتید و جوانان عزیز و عالم و فرهیخته دانشگاهی از خداوند متعال درخواست موفقیت، بهروزی مینمایم و بر مسئولین لازم است که زمینه اشتغال و ازدواج و زندگی آبرومند فرزندان عزیز دانشجوییم را فراهم نمایند تا این فرصتی را که انقلاب اسلامی ایران برای ما ارزانی داشته، پاس داریم.

منتظری به دلیل مواضع آشکار دکتر طباطبایی

اعلام می‌کند که لیبی این کمیته را نخواهد پذیرفت. استعفاى طباطبایی نیز مانع لغو سفر این هیات نمی‌شود و گفته می‌شود که چنین هیاتی به روابط دولت انقلابی و لیبی آسیب می‌رساند. امام خمینی نیز به دنبال این توصیه‌ها در دیداری خصوصی از طباطبایی می‌خواهند سفر به تعویق بیفتد. این سفر در نهایت انجام نشد.

این پرونده بعد از لغو سفر این افراد با مواضع بیشتری روبه‌رو شد که به گفته حبیبی بیشتر از سوی مخالفان و موافقان امام موسی صدر این اتفاق افتاد. او در پاسخ به این سؤال که در سال‌های بعد از ابتدای انقلاب آیا پیگیری وضعیت امام موسی صدر از دغدغه‌های مسئولان نبود، گفت: «از یک زمانی به بعد، جز چند نفر، سایر مسئولان ما با این پرونده آشنایی نداشتند و آن چند نفر هم آن قدر برای خودشان گرفتاری درست کرده بودند که به پیگیری برخی از این مسائل که مهم بودند و بعضی حتی مهمتر از این هم بود، اصرار نداشتند. تنها امام بود که نسبت به این مسائل حساسیت داشت. یکی از حساسیت‌هایش در مورد قذافی بود. یعنی روشن و واضح بود که قذافی می‌خواست به ایران بیاید. منتها خب یک شرط داشت که خدمت امام برسد و امام هم روشن کرده بود که بدون دیدار من، هر کاری می‌خواهید بکنید.»

حبیبی بخشی از عدم به ثمر رسیدن پیگیری وضعیت امام موسی صدر را گرفتاری زیاد دانسته و گفته: «بالاخره تاریخ است و نمی‌توان کاری کرد. قذافی در قضیه جنگ حمایت نمی‌کرد، ولی کمک‌هایی می‌کرد. کافی بود که یک کلمه از دهان یکی از این مسئولان جنگ بیرون بیاید که «این دیوانه» (قذافی) جلو کمک‌ها را بگیرد و مشکل ایجاد کند.»

حبیبی درباره پیگیری مسئله امام موسی صدر به صورت حقوقی یا سیاسی گفت: «در مورد قضیه قذافی وضع پک مقداری فرق می‌کند، برای این که قذافی اصلا حقوق سرش نمی‌شد. قانون سرش نمی‌شد. سر قضیه لاکربی و این‌ها هم دیدیم. مشکلات خودش را سیاسی حل می‌کرد. اصلا اهل این حرف‌ها و عوالم نبود. در لیبی هم تنها خودش بود که حرف می‌زد و تصمیم می‌گرفت، بنابراین مسئله باید با خودش حل می‌شد. یعنی باید سیاسی حل می‌شد.»

زیادی از خاورمیانه را فرا گرفته، این خطر بزرگ وجود دارد که چند نقطه با ثبات باقی مانده نیز در درگیری بین وهابیت و اهل سنت دچار بی ثباتی شوند.

لازم است اقدامی هماهنگ در سازمان ملل متحد با هدف قطع حمایت مالی از ایدئولوژی های مبتنی بر نفرت و افراط صورت گرفته و جامعه جهانی در رسیدگی به موضوع کانال های ارسال پول و اسلحه به تروریست ها فعالتر عمل کند. در سال ۲۰۱۳ رئیس جمهور ایران، دکتر حسن روحانی، پیشنهاد جهان عاری از خشونت و افراطی گری را ارائه کرد. ضروری است ملل متحد بر آن اساس، به برقراری گفتگوی گسترده تر بین ادیان و مذاهب به منظور مقابله با این عصبیت خطرناک قرون وسطایی اقدام کند. حملات اخیر در شهرهای نیس، پاریس و بروکسل باید دنیای غرب را متقاعد ساخته باشد که تهدید سمی وهابیت را نباید مورد غفلت قرار داد. بعد از سالی که هر هفته اش مملو از اخبار فاجعه بار بود، لازم است جامعه جهانی دست به اقدامی فراتر از ابراز انزجار، ناراحتی و تسلیت بزند. آنچه امروز بدان نیازمندیم، اقدام عملی علیه افراطی گری است.

گرچه بیشتر خشونت های اعمال شده با سوء استفاده از نام اسلام ریشه در وهابیت دارد، لیکن به هیچ عنوان پیشنهاد نمی کنم که عربستان سعودی نمی تواند بخشی از راه حل باشد. کاملاً برعکس، از حاکمان سعودی می خواهیم تبلیغات مبتنی بر اتهام و هراس را رها و با سایر اعضای جامعه جهانی در از بین بردن آفت تروریسم و خشونت که همه ما را تهدید می کند، همکاری کنند.

*یادداشت وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در نیویورک تایمز

وهابی گری، فرقه ای گمراه

آسیای مرکزی توصیف کرد اعلام کرد آنها ذهن جوانان را در این مناطق تخریب کرده و آنها را به سوخت عملیات های تروریستی تبدیل کرده اند.

کریمه افزود: برخی جریان های سلفی وهابی در عربستان به مصر حمله کرده زیرا مصر میزبان اهل بیت بوده و همواره چه در دوران حیات و چه بعد از آن به اهل بیت پیامبر احترام گذاشته است، وهابی ها به همین دلیل مصری ها را اهل بدعت می دانند و افزود: کشور ما به اسم شریف امام حسین و حضرت زینب و همه صالحینی اهل بیت افتخار می کند [مسجد رأس الحسین (ع) و مسجد سیده زینب (س) دو بنای مذهبی در مصر است، مصری ها معتقدند حضرت زینب (س) و سر شریف امام حسین (ع) در مصر به خاک سپرده شده است].

این استاد الازهر گفت شیوخ سلفی وقتی از محبت مصری ها نسبت به اهل بیت خشمگین شدند «حمد آمریکایی ها» را شب و روز تسبیح می کنند و به اسلام مصری ها خرده می گیرند.

وی با اشاره به جنگ عربستان علیه یمن گفت: نظامیان عربستانی و اماراتی که در جنگ علیه یمن کشته می شوند شهید نیستند اما قربانیان حملات عربستان به یمن شهید به شمار می روند و میان متجاوز و قربانی تفاوت وجود دارد؛ می توانید این را به عنوان یک فتوا در نظر بگیرید نظامیانی که در قالب ائتلاف عربی-سعودی در یمن کشته می شوند شهید نیستند.

وی تأکید کرد که عربستان مدرسی در آسیای مرکزی تأسیس کرده که در آن دیدگاه های افراط گرا و تکفیری را ترویج می کنند؛ این جوانان با دیدگاه هایی که شیعیان، الازهر، اباضی ها و صوفی ها را تکفیر می کند بزرگ می شوند و به همین ترتیب به گروهک های تروریستی جذب می شوند.

بیاید از جهان وهابیت خلاص شویم

دکتر محمد جواد ظریف

را وسوسه کند تا از این به اصطلاح «معتدلین» حمایت کنند. حضور غالب النصره در اتحاد فعلی مخالفین دولت سوریه در حلب، واقعیتی است که تمامی این تبلیغات را مردود می سازد. تلاش عربستان سعودی برای متقاعد ساختن ولی نعمتان غربی اش به حمایت از سیاست های کوتاه بینانه اش بر مبنای باطل استوار شده که فرو بردن جهان عرب در آشوب بیشتر به نحوی به جمهوری اسلامی ایران ضربه می زند. این توهم که بی ثباتی منطقه به «مهار» ایران کمک خواهد کرد یا دشمنی ادعایی بین شیعه و سنی به درگیری در منطقه دامن زده است، با این واقعیت در تضاد آشکار است که هولناک ترین خونریزی ها در منطقه ما به دلیل کشتار برادران عرب و سنی توسط وهابی ها شکل گرفته است.

در حالی که افراطیون با حمایت اربابان ثروتمند خود به کشتار مسیحیان، یهودیان، یزیدی ها، شیعیان و سایر «مرتدین» مشغولند، ولی در واقع این اعراب سنی کشورهای منطقه هستند که بیشترین خسارات را از سوی این تفکر صادراتی نفرت تحمل کرده اند. در واقع امروز نه اختلاف موهوم تاریخی میان شیعیان و اهل سنت، بلکه مقابله وهابیت و شریعت راستین اسلام در جریان است؛ مقابله ای که نتایج و آثار عمیقی در منطقه و دیگر نقاط جهان بر جای خواهد گذاشت.

تردیدی نیست که حمله به عراق به سردمداری آمریکا در سال ۲۰۰۳ درگیری هایی را که امروز شاهد آن هستیم به راه انداخت و تشدید کرد، لیکن عامل عمده خشونت، ایدئولوژی نفرت افکن وهابیت و مورد حمایت عربستان سعودی بوده است، گرچه این امر تا واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از انظار غربی ها مغفول مانده بود.

شاهزادگان ریاض مستأصلانه می کوشند تا منطقه را به شرایط دوران حکومت صدام حسین

این روزها شرکت های روابط عمومی و تبلیغاتی غرب که ابایی از دریافت دلارهای نفتی ندارند، فرصت بی سابقه ای برای رسیدن به درآمدهای هنگفت یافته اند. جدیدترین پروژه تبلیغاتی آنها این است که ما را متقاعد سازند که جبهه النصره، شاخه القاعده در سوریه، دیگر وجود ندارد و همان گونه که یکی از سخنگویان جبهه النصره در شبکه CNN، اعلام کرده است این گروه تغییر نام داده، از تروریست های القاعده جدا شده و «معتدل» گشته است! این گونه تعصب و کوتاه فکری جاهلیت را به عنوان چشم انداز روشنی برای قرن ۲۱ عرضه می دارند. لیکن مشکل مشتریان ثروتمند این مؤسسات تبلیغاتی که غالباً سعودی هایی هستند که جبهه النصره را حمایت گسترده مالی می کنند، این است که اسناد موجود در خصوص سیاست های ویرانگر آنان قابل اصلاح، دستکاری و حذف نیست. چنانچه تاکنون ابهامی وجود داشت، صحنه های پخش شده از گردن زدن یک پسر بچه ۱۲ ساله توسط این به اصطلاح «معتدلین» نمایش دلهره آوری از واقعیت موجود است. از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تاکنون، وهابیت جنگ طلب چند بار تغییر چهره داده است اما در ایدئولوژی و مشی بنیادی آن تغییری حاصل نشده - خواه این گروه طالبان باشد یا شاخه های باز تولید شده القاعده یا عناصر به اصطلاح دولت اسلامی که نه دولت است و نه اسلامی. میلیون ها نفر که قساوت های جبهه النصره را تجربه کرده اند، داستان ساختگی جدایی جبهه النصره از القاعده را باور نخواهند کرد. سوابق نشان می دهد که تلاش برای تطهیر جبهه النصره با این هدف صورت می گیرد تا ارسال دلارهای نفتی به گروه های افراطی در سوریه که تا قبل از این با شیوه های پنهان صورت می گرفت، در آینده به طور علنی و آشکار انجام پذیرد و حتی برخی دولت های غربی

رشوه ۸۵۵ هزار دلاری بحرین به آمریکا برای

جلوگیری از «انتقاد»

دلار آن برای حمایت از گارد ساحلی اختصاص داده شده است و آمریکا انتظار دارد این کمک ها در ممانعت از آنچه که آن را قاچاق سلاح به شبه جزیره عربستان از طرف ایران می داند، مؤثر واقع شود.

پایگاه خبری - تحلیلی «المانیتور» در گزارشی به فشارهای افراد نزدیک به دولت بحرین علیه واشنگتن اشاره می کند و می نویسد: «کشور پادشاهی بحرین، بنا به گفته اسناد و گفته های گروه های فشار، ۵۸۸ دلار در سال گذشته برای فشار آوردن به دولت آمریکا خرج کرده است و بخش اعظمی از این مبلغ به میزان ۷۴۷ هزار دلار به شرکت حقوقی «دی ال ایه بایبر» جهت ارائه نصایح و مشورت و کمک به دولت بحرین تعلق گرفته است».

این رسانه می نویسد، با توجه به اینکه بحرین ارزش و جایگاه سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را ندارند، مقامات این کشور از سال ۲۰۰۴ به دنبال توافق های تجارت آزاد با ایالات متحده آمریکا بوده تا بتواند از صنایع نساجی و بافندگی که به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار است و به آمریکا صادر می کند، حمایت کند.

عربستان سعودی نیز ماه گذشته در اقدامی مشابه برای خروج نام خود از لیست ناقضان حقوق کودکان یمن، سازمان ملل متحد را به قطع کمک های مالی خود تهدید کرده بود.

دولت آمریکا که همیشه داعیه حمایت از آزادی ها و حقوق بشر را دارد، در برخورد با سرکوب مخالفان رژیم بحرین و شیعیان این کشور سیاست دوگانه ای در پیش گرفته است.

وبگاه خبری «الخلیج الجدید» در گزارشی نوشت که دولت باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا همچنان از اقدامات سرکوب گرانه رژیم آل خلیفه در حق شیعیان این کشور نه تنها سکوت کرده بلکه به دنبال فروش تسلیحات پیشرفته به این رژیم است.

بر اساس این گزارش، گروه های حقوق بشری و قانونی از آمریکا خواسته اند به اقدامی فراتر از محکومیت سرکوب های مقامات بحرین دست بزنند؛ ولی اهمیت استراتژیک این کشور به عنوان پایگاه دریایی آمریکا باعث شده است سیاستمداران آمریکایی در قبال جنایت های رژیم بحرین تا به حال سکوت کنند.

مقامات بحرین برای جلوگیری از انتقادات آمریکا و جلوگیری از انتقادهایی که علیه آن ها در رابطه با حقوق بشر و سرکوب شیعیان این کشور می شود، قراردادهایی برای خرید تسلیحات با آمریکا امضا کرده است.

دولت آمریکا همچنین قرار است کمک های نظامی ای به ارزش ۶/۶ میلیون دلار در اختیار بحرین بگذارد که ۵ میلیون

استاد شریعت الازهر طی فتوایی اعلام کرد، برخلاف تبلیغات ریاض و ابوظبی، نظامیان عربستانی و اماراتی که در جنگ ائتلاف عربی-سعودی علیه یمن کشته شده اند، شهید نیستند. نشست اخیر رهبران اهل سنت که درباره ماهیت این مذهب در شهر گروزی پایتخت چین برگزار شده بود با جنجال فراوانی همراه شده است.

پایگاه خبری - تحلیلی «الوقت»، در گفت وگو با «احمد کریمه» استاد شریعت اسلامی در دانشگاه الازهر به همین موضوع پرداخت. احمد کریمه به الوقت گفت که نشست اهل سنت در گروزی به دنبال آن بود تا با روشن کردن مفهوم «اهل سنت» این تعبیر را که وهابی ها از آن خود کرده و تنها خود را اهل سنت می دانستند از وهابی ها پس بگیرند.

وی افزود: با توجه به تنوع علمی موجود در الازهر این نهاد به دنبال تکفیر هیچ گروهی از اهل قبله نیست و ما برادران شیعه امامی و زیدی خود را مسلمان مومن می دانیم و برای آنها احترام قائلیم.

کریمه در واکنش به خشم مبلغان وهابی گفت: بدون شک مارهای زهرآگین آزرده شده اند زیرا الازهر اسمی از آنها نبرده و در این زمینه هم کار درستی انجام داده زیرا آنها [وهابی ها] فرقه ای گمراه هستند؛ اینها از دین خارج شده و همه را از جمله «ابو الحسن اشعری»، «ابو منصور ماتریدی»، الازهر، شیعیان، اباضی ها و زیدی ها را تکفیر می کنند.

اگر جهان می خواهد ریشه تروریسم را بخشکاند باید با قطعیت در برابر وهابیت ایستادگی کند زیرا اینها اساس همه فتنه ها و تنش های جهان ما هستند و بدون شک به این نشست حمله می کنند با وجود اینکه ما در این نشست کسی را تکفیر نکردیم و در واقع امیدواریم در نشست های آتی اهل سنت، برادران شیعه و اباضی برای گفت وگو گرد هم بیایند.

وی ضمن اینکه وهابی ها را عامل تربیت تروریست در

اشاره: حافظه عالی، جمع آوری اسناد و تصاویر، استاد سید هادی خسروشاهی را تبدیل به شاهد عینی و راوی منصف تاریخ معاصر در ۶۰ سال گذشته کرده است. حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی به مانند همیشه به «رمز عبور» لطف داشت و پاسخ سؤالات ما درباره سازمان مجاهدین خلق را با دقت و وسعت نظر داد.

مجله رمز عبور - شماره ۲۱ - تیر و مرداد ۹۵



از راست به چپ: مهندس یدالله سبحانی، آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان، بدیع زادگان، سید هادی خسروشاهی (در حال نشست بر سر سفره عید فطر در گلشهر کرج)

آشنایی شما با بنیانگذاران اولیه سازمان کجا بود؟

بنیان گذاران اولیه سازمان تقریباً همگی و بدون استثناء، از شاگردان مکتب تفسیری مرحوم آیت الله طالقانی در «مسجد هدایت» تهران بودند. بنده هم از «قم»، یکی از مشتاقان حضور در این جلسات تفسیری بودم و هر شب جمعه که مقدور بود، خود را از «قم» به تهران می رساندم و در آن جلسه معنوی - روحانی - تفسیری، حضور می یافتم. دوستان، یا به قول خدمانی «بچه ها!» در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران فعال بودند و به مناسبت های مختلف مراسم و مجالسی برپا می داشتند که طبق اطلاع قبلی، بنده هم در بعضی از آن مجالس شرکت می کردم.

آشنایی بنده با دانشجویانی که بعدها، و پس از حضور فعال آنها در سازمان «نهضت آزادی» - بخش دانشجویی - بیشتر شد و البته در آن برهه، سخنی از سازمان مستقلی به نام سازمان مجاهدین در میان نبود، ولی آشنایی و دوستی و همفکری و همکاری، در چهار چوب: مسجد هدایت، انجمن اسلامی دانشجویان و سپس نهضت آزادی - و البته نه به عنوان عضو رسمی یا وابسته، بلکه به عنوان فردی هوادار و سمپا! - ادامه یافت... تا اینکه فشار رژیم و سرکوب و اختناق حاکم، گویا «بچه ها» را به سویی سوق داده بود که دیگر فعالیت های مسجدی و انجمنی و یا حتی نهضتی هم آنها را قانع نمی کرده است.

در این برهه، چند نفر از آنها، از جمله محمد حنیف نژاد و آقای لطف الله میثمی، به قم آمدند و دیدار مفصلی با شهید بهشتی و اینجانب داشتند و هدفشان یافتن راه حل ایدئولوژیک، برای پاسخگویی به پرسش های بیشتر جوانان درباره مسائل سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و دینی بود. در قم آیت الله بهشتی آنها را به مطالعه آثار شادروان مهندس بازرگان توصیه نمودند. بنده هم علاوه بر آثار ایشان، مطالعه نشریات جدید حوزه را پیشنهاد کردم... که به ظاهر آنها، این پیشنهادها را پذیرفتند، ولی محمد حنیف به من گفت که: این کتاب ها و نشریات خوب و مفید است، اما به نظر می رسد که فقط جنبه «مسکن» داشته باشند و برای درمان بیماری جوانان تأثیر جدی نداشته باشند... مگر شما جوان ترهای حوزه فکری بکنید!

استاد خسروشاهی:

بخش اول

التقاط اولیه سازمان، ناشی از سرخوردگی از ارتباط با روحانیت است

مثل محمد آقا را سیراب کند! و این بود که دیگر در آن جلسات شرکت نکرد. به ویژه که در تبریز! افرادی را که در آن جلسه شرکت می کردند، «شعاری ها» - چیزی شبیه کسروی ها! - می نامیدند که در واقع «انگشت نما» می شدند و جلسه خیلی اوج نگرفت... و محمد آقا هم دیگر به آن جلسه نرفت... ولی به هر حال آن حالت تعبد و تشرع، در او همچنان قوی بود و این امر در تمامی افعال و اعمال او، نمایان بود. در همین مرحله، بنده با همکاری محمد آقا، شهید معیری، دکتر سید محمد میلانی، دکتر قهرمانی، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز را تأسیس کردیم و من به درخواست دوستان، به قم آمدم و همراه آیت الله ناصر مکارم شیرازی به تبریز بازگشتیم و نخستین جلسه انجمن تبریز با سخنرانی ایشان، آغاز گردید...

... پس از هجرت محمد آقا به تهران برای شرکت در دانشگاه، آن طور که من می دیدم، او همچنان فردی متشرع و دین باور بود و حتی آنطور که از دوستان شنیدم، حتی نماز شب او، ترک نمی شد... و این تا آغاز کار رسمی سازمان و پیدایش پدیده زندگی مخفی اعضا و کادرهای سازمان، ادامه یافت و بعد از آن، چون من از وضع زندگی خصوصی محمد آقا اطلاع نیافتم، نمی توانم دآوری خاصی داشته باشم... ولی باز دوستان آن دوران محمد آقا، می گفتند که محمد همچنان به اصول و مبادی دین و شریعت پای بند بوده است.

دیدگاه ها و تفاسیر التقاطی از دین توسط بنیانگذاران سازمان شروع شد و در جزوات ابتدایی آن بروز داشت. جدایی و احساس استغنا از روحانیت را چقدر در این مسأله مؤثر می دانید؟

تفاسیر و برداشت های التقاطی از پاره ای مسائل دینی، که در نشریات نخستین سازمان، یعنی نوشته های بنیان گزاران دیده می شود، در واقع ناشی از سرخوردگی آنان از همکاری عمیق و دقیق روحانیت با آنها بود که همین نوع برخوردها - که من به تفصیل آن نپرداختم - باعث می گردید که این برادران نخستین، خود به فکر تبیین ایدئولوژی افتادند، نتیجه آن هم، به علت نقص معلومات، کاملاً می توانست روشن باشد.

یعنی باید پذیرفت که احساس استغنا از روحانیت به دو دلیل در آنها به وجود آمد. یک: عدم استقبال صمیمانه و عدم همکاری جدی فکری با آنها، از طرف بعضی از روحانیون... دو: اختلاط و همزمانی بررسی مبانی اسلامی با مطالعه و بررسی ادبیات مارکسیستی که شاید به طور ناخودآگاه و بدون تعمد اختلاطی عمل کردن بود، به وجود آمد که این امر به علت عدم حضور حتی یک روحانی و عالم دینی آشنا به مسائل روز در تشکیلات آنان - حتی در بخش ایدئولوژیک - فاجعه بار بود و نتیجه نهایی، صدور بیابیه اعلام مواضع! و تغییر مبانی ایدئولوژی سازمان به اصول مارکسیستی و اعلام رسمی آن در درازمدت بود که همگی از چگونگی آن و محتوای کاملاً مارکسیستی - لنینیستی بیابیه و حذف کامل «اسلام» از برنامه سازمان، آگاه هستیم.

رابطه حنیف نژاد با آیت الله خامنه ای چقدر بود؟

محمد آقا در تهران و قم و شهرهای دیگر که به آن ها سفر می کرد با علماء و فضایی روشنفکر تماس می گرفت و به بحث و جدال به احسن می پرداخت... بی تردید او در سفرهایی هم که به مشهد داشت و یا در سفرهایی که آیت الله خامنه ای به تهران می آمدند، یا معظم له دیدارهایی داشته است که چون من در آن دیدارها حضور نداشتم، نمی توانم چگونگی رابطه بین آنان را ارزیابی کنم.

نگاه های حنیف نژاد و بنیانگذاران اولیه سازمان چه نکات منفی و مثبتی از دیدگاه

که از مریدان مرحوم پدرم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی بود در روزهای جمعه و یا ایام ماه مبارک رمضان با حضور در مسجد پدری در بازار، پای سخنان پدر می نشست، پس از فوت مادر محمد آقا، با دخترخاله من «ربابه خانم» در تبریز ازدواج کرد و از او صاحب فرزند هم شد... و همین ارتباط فامیلی ما عامل رفت و آمد خانوادگی و ارتباط نزدیک من با محمد آقا در تبریز، قبل از حضور وی در تهران و شرکت در دانشگاه گردید.

محمد آقا در آن دوران یک جوان متدین، متعهد و ملتزم به احکام شرع بود. در نماز و روزه دقت به حدّ وسواس داشت. روی عقیده به مکتب حسینی، به «نوحه خوانی» در مساجد و یا مجالس و هیئت های عزاداری می پرداخت... یک دفترچه یا «بیاض» شامل نوحه های زیاد، همیشه همراه داشت و از آنها در نوحه خوانی، مانند بقیه، استفاده می کرد. اما من فکر می کردم که این امور، محمد آقا را «ارضا» نمی کند، بلکه بخشی از نیازهای معنوی او را برطرف می سازد. این بود که نداشتن صوت جمیل! را بهانه قرار دادم - چون او صدای گرفته ای داشت و در نوحه خوانی نمی توانست مانند بقیه با صدای بلند و خوش، نوحه بخواند - و گفتم که به جای نوحه خوانی، در جلسه تفسیر قرآن که هر شب در مسجد «کلکته چی» در اول راسته کوچه، شرکت کند این جلسه تفسیر توسط مرحوم آیت الله حاج شیخ حسین شنبه غازانی (شنبه غازان نام محله ای در تبریز است) هر شب برگزار می شد و مطالب خوبی به سبک روز، در تفسیر آیات مطرح می گردید... و محمد نخست همراه من در این جلسات شرکت کرد؛ یعنی توصیه مرا، در هر دو امر پذیرفت و به جای رفتن به محل و آن محل، برای نوحه خوانی، این بار در مراکز تفسیری حضور یافت و علاوه بر مسجد کلکته چی، در جلسات مرحوم آقا سید حسین کهنوبی که فردی شاعر، باسواد و مطلع و اهل مطالعه و صاحب فضايلت بود که سخنان خود را همواره با تفسیر آيانی از قرآن، مطرح می کرد که مورد توجه نسل جوان تبریز قرار گرفته بود و چون



آیت الله طالقانی و سید هادی خسروشاهی (ردیف اول) و گروهی از دانشجویان انجمن های اسلامی، پس از مراسم عید فطر در کرج؛ سمت راست نفر اول: لطف الله میثمی، ردیف بالا: تراب حق شناس و محمد حنیف نژاد

«کت و شلوازی!» و گاهی «ریش تراش!» بود، مورد هجمه اهالی پیرو تحجر! قرار داشت و حتی مرا که چند بار در جلسات او حضور یافتم، تذکر دادند که صلاح نیست یک فرد «معمّم!» در جلسه سخنرانی یک «مکّلاً» شرکت کند!

علاوه بر این دو جلسه، محمد آقا، روی همان حس کنجکاوی و حقیقت جویی، چند جلسه ای هم در جلسه تفسیر آقای یوسف شعار، حضور یافت. آقای شعار، که طبق نوشته فرزندش مرحوم دکتر جعفر شعار، سواد کافی نداشت، مطالب عوامانه ای را مطرح می ساخت که گاهی مورد پسند عوام! قرار می گفت ولی به طور طبیعی نمی توانست روح جوانی

اسلامی می پردازند که به طور طبیعی به علت نقص معلومات، دارای اشتباهات و اشکالاتی بود به ویژه که این دوستان، به موازات مطالعات اسلامی، به آثار و ادبیات مارکسیستی هم به مثابه «یک علم!» - طبق ادعای خودشان - مراجعه می کردند که نتیجه این نوع پژوهش، پیدایش نوعی اختلاط شاید هم غیرعمد، در آثار نخستین گردید.

میزان تقیدات دینی و مذهبی مرحوم حنیف نژاد چقدر بود؟

محمد حنیف نژاد یا به قول ما «محمد آقا» نوه خوانده خاله من مرحومه رباب خانم فروغی محسوب می شد. یعنی پدر وی، مرحوم «حمداالله»

حتی در دورانی هم که هنوز سازمان مجاهدین، به شکل رسمی نام گذاری هم نشده بود، برقرار بود... البته او در این دیدارها از ضرورت ایجاد تشکیلی جدید و متفاوت سخنانی گفت و پیدا بود که هدفی را دنبال می‌کنند و من چون قبلاً در مقابل پیشنهاد او، عدم آمادگی خود را در مورد پژوهش خاص درباره ایدئولوژی اسلام، اعلام کرده بودم، محمداً درباره چگونگی «تشکیل جدید» توضیح خاصی نمی‌داد و من هم چون با اندیشه‌های او آشنا بودم، زیاد پی گیر مسئله نبودم. البته در گفته‌های وی نشانه‌ای از اینکه قصد «عضوگیری» داشته باشد نبود و یا من متوجه آن نبودم و به هر حال، تا آغاز زندگی مخفی، ارتباط ما برقرار بود.

ادامه دارد...

خاطرات مستند استاد خسروشاهی درباره دکتر حسن الترابی منتشر شد

کتاب خاطرات مستند استاد سید هادی خسروشاهی درباره مرحوم دکتر حسن الترابی، رهبر فکری حرکت اسلامی سودان، توسط انتشارات کلبه شروق منتشر شد. در بخشی از مقدمه استاد خسروشاهی درباره این کتاب می‌خوانیم:

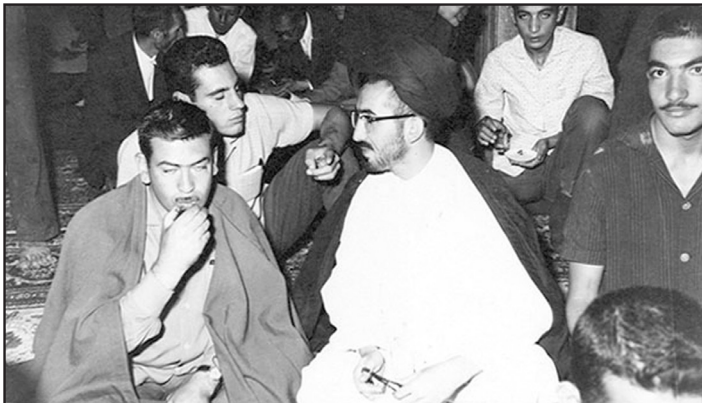
در گذشت استاد شیخ حسن عبدالله الترابی، رهبر فکری و معنوی حرکت اسلامی سودان، در اسفندماه سال گذشته ۱۳۹۴ - موجب گردید که یادداشت‌های پراکنده خود درباره زندگی و مبارزه او را مرور کنم و به خاطرات خود و مکاتباتی که با او داشتم مراجعه نمایم که نتیجه آن دو مقاله تحت عنوان «حدیث روزگار» بود که در دو شماره از روزنامه وزین اطلاعات به طور تلخیص شده، منتشر گشته است و همین امر، موجب شد تا به نشر مستقل و کامل یادداشت‌ها، درباره حرکت اسلامی سودان و اندیشه‌های رهبری آن - شیخ حسن عبدالله الترابی - اقدام نمایم که البته به نظر من دارای نکات تاریخی برجسته‌ای، به ویژه در رابطه با هم‌آهنگی و همفکری سودان مسلمان با ایران اسلامی است و در واقع چگونگی پشتیبانی و همراهی رهبری آن را با رهبری انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد.

البته اینجانب چند سال قبل هم کتابی مستقل تحت عنوان «حرکت اسلامی سودان» - تاریخ و اهداف از آغاز تا امروز - آماده نمودم که توسط مجمع جهانی تقرب بین مذاهب اسلامی در سال ۱۳۹۰ چاپ و منتشر گردید. در آن کتاب ضمن بررسی تاریخ جنبش‌های اسلامی در سودان، از جمله: حرکت مهدیه، اخوان المسلمین، حزب الأمة و الميثاق الاسلامی و... به اندیشه‌های رهبری آن - به ویژه شیخ حسن الترابی - هم پرداخته‌ام که می‌تواند برای اهل فرهنگ و تاریخ و علاقمندان به مسائل جنبش‌های اسلامی در جهان معاصر و رهبری آن‌ها، مفید باشد. بعضی از عناوین کتاب عبارتند از:

آشنایی با شیخ حسن عبدالله الترابی، سابقه جریان اسلام سیاسی در سودان، اخوان سودان و ایران، ماجرای شهادت آیت‌الله سید مهدی حکیم در سودان، تجدیدنظرطلبی یا نواندیشی، قطعنامه تاریخی مؤتمر اسلامی، رسالت جهان اسلام در عصر نوین بین‌المللی، مقابله با اهداف و طرح‌های صهیونیسم، تهاجم فرهنگی علیه اسلام.

برای تهیه این کتاب و سایر آثار ایشان می‌توانید در تهران به فروشگاه موسسه اطلاعات واقع در خیابان انقلاب و در قم به مرکز پخش آن واقع در ابتدای خیابان صفاییه، فروشگاه کتاب کلبه شروق مراجعه نموده و یا با شماره تلفن ۰۲۵-۳۷۸۳۸۱۴۴ تماس بگیرید.

آنچه که تا آن برهه در صحنه بودند، چندین بار به «قم» آمد - که یکی دو بار آن همراه با آقای مهندس لطف الله میثمی بود - و با بعضی از علماء از جمله شهید آیت الله بهشتی ملاقات کردند، البته همراه آقای میثمی به دیدار اینجانب هم آمد که بحث و گفتگوی عمده درباره شناخت و شناسایی مکتب اسلام و عرضه آن به شکل نوین، برای نسل جوان، در مقابل ایدئولوژی‌های مطرح در جامعه، به ویژه محافل دانشگاهی - دانشجویی بود. (آقای میثمی در خاطرات خود به گوشه‌ای



سید هادی خسروشاهی در حال گفت و گو با محمد حنیف نژاد در مسجد نارمک. دکتر سرجمعی با عبا در عکس دیده می‌شود

از نتایج این دیدارها اشاره دارد) و البته محمداً چون جستجوگر سیری‌ناپذیر بود به نتایج این قبیل دیدارها بسنده نکرد و خود همراه جمعی، به تحقیق و بررسی در اصول اساسی مکتب اسلام گردید که به نظر من عدم حضور مشاوران از علماء آگاه و مبارز در این جمع، همراه با اشتباهاتی گردید که بعدها نتیجه آن در آثار منتشر شده از سوی سازمان، به وضوح دیده شد...

البته محمداً با آیت الله هاشمی رفسنجانی، شهید محلاتی، آیت الله شهید محمد مفتح و امثال این بزرگواران هم در ارتباط بود که این نشان دهنده ارزش حرکتی بود که او می‌خواست آن را در قالب یک تشکیلات و سازمان عملگرا، سامان دهد.

در زمانی که حنیف نژاد سازمان مجاهدین خلق را رهبری می‌کرد، آیا با او ارتباطی داشتید؟

ارتباط بنده با محمداً از آغاز زندگی او - از تبریز - تا دوران شروع فعالیت‌های مخفی ادامه داشت و

امام صادق علیه السلام بیشتر به تدریس و به تربیت شاگردان ممتاز، پرداخته که خود این روش، می‌تواند در آینده راهگشا باشد و توسط شاگردان ایشان، همه توده‌های جامعه را به صحنه بکشاند... که در نهایت دیدیم تحلیل او درست بود.

به هر حال، آنچه که من در دیدارها از محمداً درباره امام خمینی شنیدم کاملاً مثبت، منطقی و ناشی از دوراندیشی بود... و او در کل معتقد بود که امام خمینی با توجه به پشتوانه نیرومندی که در میان طلاب حوزه‌ها و محافل مذهبی ایران

دارد، می‌تواند نقش ویژه‌ای در به پیروزی رساندن حرکت مردم ایران داشته باشد...

البته در آن برهه، سخنی از تشکیل حکومت یا دولت اسلامی توسط ایشان مطرح نمی‌شد، ولی او این نهضت را سرآغاز یک قیام عمومی برای ایجاد جامعه‌ای نوین می‌دانست.

آیا محمد حنیف نژاد با روحانیون طرفدار امام خمینی مانند شهید بهشتی، هاشمی رفسنجانی و شهید مطهری ارتباط داشت؟

محمداً تا آنجا که من اطلاع دارم با علما و روحانیون مبارز مانند: آیت‌الله طالقانی، شهید بهشتی، آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی روابط صمیمانه‌ای داشت و در واقع می‌توان گفت که او شاگرد مکتب آیت الله طالقانی و آموزش دیده در محضر بقیه علماء مبارز بود.

محمداً در راستای اهداف دوران پس از دوری عملی از نهضت آزادی و آغاز حرکت فکری - سیاسی جدید، برای تشکیل سازمانی متفاوت از

سقوط به سبک بنی‌سعود

یک زیارت غیرواجب، از سوی حکام سعودی به بمب و اسلحه تبدیل شده و ناامنی منطقه و جهان را سبب شود. درباره حج تمتع نیز نبود امنیت و تداوم بی‌احترامی به حجاج، کاملاً روشن است و موضوعاتی مانند تضمین ندادن برای صیانت از حقوق حجاج و حفظ کرامات آنان در مسئله صادرکردن حکم برای دو مأمور خاکی فرودگاه جدّه - که یکی از صدها مورد بی‌احترامی به ایرانیان را رسانه‌ای کرد - تکلیف حضور ما را در این کشور روشن کرده است. به نظر نمی‌رسد با توجه به مشکلات داخلی بنی‌سعود، هزینه‌های هنگفت تداوم جنگ و خرابکاری در منطقه و جهان و البته حساس شدن بسیاری از کشورهای منطقه و حتی غرب در قبال صدور تروریسم تکفیری از عربستان به سایر نقاط منطقه و جهان، بتوان عمر طولانی برای بنی‌سعود در نظر گرفت.

انسان اهل تسنن را نیز مسلمان نمی‌دانند و نگاهشان به فرق اسلامی مانند شیعیان هم روشن و مبرهن است. نگارنده به‌عنوان فردی که سال‌ها در حوزه عربی، مطالعه داشته و کار دیپلماتیک کرده‌ام، موافق تلاش برای عادی‌سازی رابطه با کشورهایمانند مصر و عربستان نیستم. مسئولان ما در وزارت خارجه با وجود تلاش‌های غرورآفرین در مسائل دیپلماتیک، به‌ویژه برجام، نیازی به تبریک گفتن به

های مهندس بازرگان را داشت؟

در آغاز کارها، محمد آقا و بقیه مسئولین سازمان نگرش مثبتی به آثار شادروان بازرگان داشتند و در واقع بستر اصلی پرورش فکری آنان با آثار آقای بازرگان و شخصیت‌های همفکر ایشان - مانند آیت الله طالقانی، سید غلامرضا سعیدی و چند نفر دیگر - بود و آنها در دیدارها یا حوزه‌های مشورتی - قبل از تشکیل رسمی سازمان و آغاز انفرادی تهیه و تبیین ایدئولوژی - این دیدگاه مثبت در عملکرد آنان به وضوح دیده می‌شد و علاوه بر مطالعه مداوم آن آثار، در بحث‌ها و گفتگوها، به بخش‌هایی از مطالب کتاب‌های آن بزرگواران استشهاد می‌کردند... اما به تدریج این رغبت و اشتیاق کم شد و اظهار کردند که با کتاب «مطهرات در اسلام» و یا حتی کتاب «راه طی شده» نمی‌توان راه یابی کرد و به مقصد رسید و تعبیری که محمد آقا از محصول درس تفسیری یوسف شعار داشت که «از این مباحث طرح اصلی مبارزه، به دست نمی‌آید»، در مورد آثار مرحوم بازرگان هم به کار رفت. در واقع در دورانی نگرش به این آثار کاملاً مثبت بود و به تدریج و با مرور زمان و تحول فکری دوستان، دیدگاه به گردونه منفی گرایید!

نظر حنیف نژاد درباره امام خمینی و نهضت او چه بود؟

محمداً، همانطور که قبلاً اشاره کردم، از آغاز زندگی فردی و اجتماعی خود، همواره در محافل مذهبی و مجالس دینی شرکت می‌کرد و به طور طبیعی با علما و وعاظ هم روابط دوستانه‌ای داشت... و به علت داشتن روحیه مبارزه‌طلبی، نخست در انجمن اسلامی دانشجویان تبریز و سپس تهران فعال بود و بعد به نهضت آزادی پیوست و در مراحل تکامل فکری - سیاسی، به فعالیت‌های ویژه پرداخت...

محمداً با اصطلاح ما، «مرید علماء مبارز» بود و پشت سر علماء غیرمبارز هم بدگویی نمی‌کرد، بلکه معتقد بود که باید شناخت آنها را نسبت به مسائل روز ارتقاء داد تا خود به خود به نهضت بپیوندند؛ چون معقول نیست که شخصی در جرگه علمای دینی قرار گیرد و پس از شناخت دقیق حقایق مسائل اجتماعی - سیاسی، به مبارزه نپردازد...

در همین راستا، او نهضت امام خمینی را اقدامی مبارک و میمون می‌دانست و معتقد بود که همین اقدام موجب حرکت مجموعه‌ای بزرگ از علماء بلاد خواهد بود. به ویژه که ایشان - امام خمینی - هیچ نقطه مبهمی در زندگی خود ندارد و مانند

ادامه از صفحه اول

حکام سعودی البته تصور می‌کنند با ته‌مانده دلارهای نفتی که از خرج‌های هنگفت تأمین تروریست‌ها و ریختن بمب و موشک بر سر مردم یمن باقی مانده است، می‌توانند همچنان روی حمایت آمریکا، دبیرکل سازمان ملل و برخی دولت‌های جعلی عربی مانند مصر سیسی، حساب کنند؛ تا بان کی مون باز هم اعتراف کند با گرفتن پول، عربستان را از فهرست کشورهای کودک‌کش خارج کرده است. آنان در کوتاه‌مدت شاید خود را مالک حج و حرمین شریفین قلمداد کرده و به‌جز حجاج ایرانی، حجاج فلسطینی، سوری و... را نیز محدود کنند؛ اما این روند حتماً در میان‌مدت تداوم نمی‌یابد. وقتی تروریست‌های چشم‌آبی از عراق و سوریه بیرون ریخته شوند، به اروپا و ایالات متحده برو خواهند گشت و ناامنی در دل این کشورها، انگشت اتهام را به سوی حکام بنی‌سعود، نشانه خواهد رفت. افکار عمومی ایرانیان نیز بیش از هر زمانی، متوجه ذات اصلاح‌ناپذیر این شجره ملعونه شده است و این روزها در شبکه‌های اجتماعی، به‌خوبی این واقعیت نمایان است.

درباره فریضه حج، تعطیلی دائم عمره مفرده به‌عنوان یک گزینه جدی، می‌تواند روی میز باشد. هیچ مسلمانی راضی نیست پول‌های او برای انجام

نشست خبری رئیس مطالعات
تقریب درباره موسوعه عظیم
« السنه النبویه فی مصادر
المذاهب الاسلامیه »

حجت الاسلام والمسلمین مختاری در نشست خبری با اصحاب رسانه از رو نمایی « موسوعه السنه النبویه فی مصادر المذاهب الاسلامیه » در روز دوشنبه پنجم مهرماه با حضور مراجع، علما، شخصیت ها و اساتید برجسته حوزه علمیه قم و دانشگاه ها در دارالشفای قم خبر داد.

به گزارش خبرگزاری تقریب (تتا)، محبت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری در این نشست با اشاره به اوضاع متشنج منطقه و اینکه در دنیایی زندگی می کنیم که اندیشه های افراطی و تفکرات نابردارانه به نام اسلام به دنیا تزریق می شود و اسلام برگرفته از کتاب و سنت و روح وحی به درستی عرضه نمی شود، تصریح کرد: امروز بیش از هر زمانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی رسالت سنگینی را بر دوش داشته و کاری بسیار شاق و سخت دارد، به تعبیر یکی از مراجع عظام تقلید، برافراشته سازی پرچم تقریب، وحدت و ایجاد همدلی و محبت در میان پیروان مذاهب اسلامی یک جهاد است.

استاد حوزه و دانشگاه با بیان این مطلب که وحدت، یک راهبرد و استراتژی است؛ نه تاکتیک، ابراز داشت: ما در این پژوهشگاه به دنبال ایجاد انسجام و وحدت در میان پیروان مذاهب اسلامی؛ به ویژه نسل جوان بوده و اسلام و حیانی، رحمانی، ناب و اصیل را عرضه می نماییم.

حجت الاسلام والمسلمین مختاری با اشاره به چاپ موسوعه خاطرنشان ساخت: موسوعه عظیم احادیث مشترک با عنوان جدید «السنه النبویه فی مصادر المذاهب الاسلامیه» اخیراً در بیروت به چاپ رسیده است که تدوین این کتاب حدود ۱۳ سال از سوی نویسندگان زبردست، صاحب نام و نواندیش به طول انجامیده است.

دکتر مختاری با اشاره به شاخه های مختلف مورد بررسی در موسوعه بیان داشت: این کتاب نه تنها در فقه؛ بلکه در سایر شاخه های معرفتی و حتی در علم طب، اقتصاد و... تدوین شده و هیچگونه قضاوتی از سوی نویسندگان انجام نشده است. در این کتاب ابتدا احادیث اهل سنت و در ادامه احادیث امامیه و شیعه بیان شده است.

استاد حوزه و دانشگاه خاطرنشان ساخت: اهل سنت استقبال مناسبی از این کتاب کرده و خواستار ارسال کتاب برای خود می باشند. دیدارهایی با مراجع عظام تقلید داشته و این کتاب را به این بزرگواران عرضه داشته ایم تا نظرات خود را فرموده و در چاپ های بعدی لحاظ کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین مختاری بیان داشت:
این موسوعه، دایره المعارف احادیث فریقین بوده و
بیش از ۵۰ کلان موضوع در آن آمده است. تعداد
مجلد این کتاب ۶۲ جلد است؛ اما این جلدها تجميع
شده و مجموع آن در ۲۰ مجلد به چاپ رسيده است.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی ابراز داشت: این کتاب با زبان حال معنوی و پیامبری نبی مکرّم اسلام(ص) به رشته تحریر در آمده است، زبان کتاب عربی است؛ اما در آینده تلخیصی از این کتاب به زبان های دیگر ترجمه خواهد شد.

وی بیان داشت: حدود ۲۰ هزار صفحه و بیش از ۳۰ هزار حدیث، مجموع کتاب السنه النبویه فی مصادر المذاهب الاسلامیه می باشد، احادیث جمع آوری شده در این موسوعه از منابع اولیه اهل سنت و شیعه گردآوری شده که مورد قبول قاطبه سنی و شیعه می باشد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از وجود «سندی مکتوب مبنی تعهد خاندان آل سعود برای مدیریت مکه و مدینه توسط مسلمین» خبر داد و گفت: در حال حاضر این سند وجود دارد و باید آن را به طور کامل بر ملا کنیم.

آیت‌الله محسن اراکی در گفت‌وگو با خبرنگاری تسنیم، درباره پیام امام خامنه‌ای خطاب به مسلمانان برای «اندیشیدن در مدیریت حاکمان بی‌دین و بی‌وجدان سعودی بر حرمین شریفین»، اظهار کرد: سندی دال بر اینکه مدیریت مکه و مدینه باید توسط تمام مسلمین انجام شود، وجود دارد که این مهم در اختیار نهادهای کشورمان است.

وی در رابطه با جزئیات این سند، خاطرنشان کرد: در ابتدای شورش آل سعود در جزیرهٔ العرب، زمانی که عبدالعزیز قصد حمله به مکه و مدینه و اشغال این دو شهر را داشت، در پیام و تعهد کتبی به مردم مکه و مدینه تاکید کرد که اگر بر مکه و مدینه تسلط یابد، مدیریت آن را در اختیار مسلمین قرار خواهد داد.

دبیر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی یادآور شد: عبدالعزیز در این سند تاکید کرده که حاضر است تا تمامی مسلمانان را در اداره مکه و مدینه شریک کند. آیت‌الله اراکی تاکید کرد: در حال حاضر این سند وجود دارد و باید آن را به طور کامل بر ملا کنیم؛ وزارت امور خارجه و سایر نهادهای مسئول در کشورمان باید بر روی این سند و انعکاس آن فعالیت کنند.

وی افزود: این سند که به طور کتبی از سوی عبدالعزیز صادر شده، نشان‌دهنده این است که مسلمین از آغاز این دغدغه را داشته‌اند که اگر آل سعود بر مکه و مدینه تسلط یابد، اجازه نخواهد

نویسنده: علی اکبر قاضی زاده

حیف است: ۲۲ سال به اندازه یک عمر است و حیف است که روزنامه‌ای بعد از یک عمر زیست، اینچنین می‌میرد. اما تعجب آور نیست، غیرقابل پیش بینی هم نیست که می‌شنویم: «اطلاعات بین الملل تعطیل شده». مگر کیهان کاریکاتور نبود؟! یا کیهان ورزشی یا نشریات دیگر که هر کدام در این سال‌ها، دیگر نتوانستند تاب شرایط را بیاورند و هرچقدر والدین شان تلاش کردند تا با سرم و درمان مقطعی آنها را زنده نگه دارند، بالاخره نشد و تمام شدند. فقط اینها نیست:

همین چند روز پیش در یک مرکز آماری بسیار بسیار معتبر، آماری از فروش روزنامه ها دیدم که رقت انگیز بود: تیراژه های ۳۰۰ نسخه ای، ۵۰۰ نسخه ای و در بهترین شرایط ۱۷ هزار نسخه ای برای کشوری که ۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد، فاجعه است. اما این روزها، شرایط همین است. تیراژ مطبوعات را به نسبت جمعیت که حساب می کنی، فاجعه خودش را بیشتر نشان می دهد. فاجعه ای که می گوید مطبوعات آرام آرام در ایران در حال از دست رفتن است و به نظر من، تنها عامل هم رسانه های مجازی و گسترش تکنولوژی و دسترسی راحت و سریع و شفاف به اطلاعات نیست. سال های سال است که تکنولوژی برای روزنامه نگاری و مطبوعات چالشی است.

بعد از جنگ جهانی اول و زمانی که رادیو آمد، همه همین پیش بینی را داشتند که این روزها وجود دارد. می گفتند رادیو زنده است، چهره را با صدا به مخاطب معرفی می کند و از همه مهم تر، سریع تر از روزنامه های صبح فردا، اخبار را می رساند. اما همان زمان مشخص شد که رادیو نمی

داد که مسلمانان طبق اعتقادات خود به مناسک حج عمل کنند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
تصریح کرد: مراسم حج، بیت‌الله الحرام و تمامی
مشاعر الهی متعلق به همه مسلمین است؛ نباید
جُلوی مسلمانانی که اعتقاد دارد مراسم حج باید
طبق مذهبش برگزار شود را گرفت.

آیت‌الله اراکی متذکر شد: نمازگزاران مسجدالحرام و مسجدالنبی باید امامین حرمین شریفین را قبول داشته باشند؛ در روایات تأکید شده که خدا لعنت می‌فرستد بر امام جماعتی که جمعی از مامومین از او نفرت داشته باشند.

وی ادامه داد: آیا امامت جماعت مسجدالحرام می‌تواند کسی باشد که عده زیادی از مامومین خود را به کفر متهم کند؟! بسیاری از افرادی که در مسجدالحرام و مسجدالنبی حضور می‌یابند از شیعیان، صوفی‌ها و اشاعره هستند که متأسفانه بنده حتی شنیدم که امام جماعت اشاعره، صوفی‌ها و شیعیان را تکفیر می‌کرد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
 اظهار کرد: اکثریت جامعه اسلامی که وهابی نیستند؛
 آن مامومی که پای صحبت امام جماعت می‌نشینند
 متأسفانه مورد تکفیر و فحاشی قرار می‌گیرد؛ امام
 جماعت باید مقبول تمام مامومین باشد و قرآن به
 همراه روایات بر این مهم دلالت دارد.

آیت‌الله اراکی تصریح کرد: آیه کریمه سوره حج نیز صریحاً تأکید دارد که اولیای مسجدالحرام باید با تقویان باشند؛ آیا آل سعود را کسی می‌تواند با تقوا بخواند؟

وی اضافه کرد: این اتفاق نظر در میان جهان اسلام و حتی بین علمای وهابی وجود دارد که همه تاکید می‌کنند که آل سعود با تقوا نیست چرا

روزنامه اطلاعات بین الملل تعطیل شد!

تواند جای تحلیل، تفسیر و گزارش را در مطبوعات بگیرد. نسل روزنامه خوان به دنبال تحلیل و تفسیر و گزارش بودند و روزنامه ها زنده ماندند. چند سال بعد، تلویزیون آمد. چند سال بعدتر ماهواره و کانال های خبری و حالا هم فیس بوک، توئیتر، سایت های مجازی و ...

اما من سال هاست که می گویم، آن چیزی که ما را به بن بست می رساند، تکنولوژی نیست. ۱۵ سال است که تکرار می کنم تا وقتی تنها منبع خبری روزنامه نگارها اینترنت است، تا وقتی قاعده های کلاسیک روزنامه نگاری رعایت نمی شود و روزنامه نگارها به جای روزنامه نگاری، روزنامه درآری می کنند، نمی توانیم منتظر تغییر و اتفاق باشیم. روزه روز هم اوضاع بدتر می شود، روزنامه ای که با خبرهای اینترنت پر شده برای مخاطب جذابیت ندارد. اصلا برای او راحت تر است که در خانه بنشیند و گوشی اش را در دست بگیرد تا از خانه بیرون برزد و پای کیوسک برود.

در چنین روزگاري و با چنین جهاني، نمي توانيم انتظار داشته باشيم که روزنامه ها زنده بمانند، خانه اول اين تخریب و از بين رفتن را خودمان، با فراموش کردن قاعده ها و اصول اوليه روزنامه نگاري ساخته ايم. روزنامه نگاري که مي خواهد در اين فضا بماند و روزنامه اي که مي خواهد رقابت کند، بايد به اصل و اصول روزنامه نگاري بازگردد.

باید ببیند که در دنیای امروز تمام نشریات
برگ و معتبر به سمت انتشار روزنامه های محلی
و تحقیقی رفته اند و پایه های روزنامه نگاری و
حرفه روزنامه نگاری باعث تقویت در میدان مبارزه
با جهان دسترسی آزاد و سریع به اطلاعات می
شود. اما تمام مشکلات تنها از سمت روزنامه نگاری

که به صورت علنی به شرابخواری، فسق و سایر اعمال می‌پردازد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
با بیان اینکه مسجدالحرام باید از دستان آل سعود
خارج شود، تصریح کرد: طبق قرآن و روایات باید
اداره مسجدالحرام و مسجدالنبی توسط باتقویان
انجام گیرد.

آیت‌الله اراکی درباره اینکه آیا خراج کردن مدیریت حرمین شریفین از جنگال آل سعود شدنی است یا خیر، گفت: نه تنها این کار شدنی است بلکه باید حتماً انجام گیرد و ان‌شالله اگر همتی در جامعه اسلامی ایجاد شود، می‌توان به این مهم امیدوار بود.

گله‌مندی از دستگاه‌های داخلی درباره پیگیری فاجعه منا

وی در پاسخ به این پرسش که نظر شما درباره لزوم پیگیری ابعاد و دلایل «فاجعه منا» توسط وزارت امور خارجه و سایر نهادهای مسئول که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است، چیست؟ گفت: مقداری گله‌مندی از دستگاه‌های داخلی در زمینه پیگیری فاجعه منا وجود دارد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تأکید کرد: این گلابه وجود دارد که کارهای زیادی می‌توانست انجام بگیرد که اگر این مهم عملیاتی می‌شد، هیچ تضعیفی در رابطه با سایر کشورها نیز ایجاد نمی‌شد. آیت‌الله اراکی با تأکید بر پیگیری فاجعه منا توسط دستگاه‌های داخلی کشور عنوان کرد: هرچه عربستان و کشورهای حاشیه‌های جنوب خلیج فارس احساس کنند ما این مسائل را پیگیری می‌کنیم، آنها با ما خوش‌رفتارتر خواهند شد و هرچه از ما احساس قدرت و جدیت در پیگیری ببینند، رابطه ما با آنها بهتر خواهد شد.

و فراموشی اصل و اصول کار نیست. بخش دیگر مشکلات به این مربوط است که روزنامه ها، بنگاه اقتصادی ندارند. تامین مالی نمی شوند و مدیریت مالی و موسسه مالی که بتواند بار مالی انتشار روزنامه ها را تقبل کند وجود ندارد.

مهم ترین دلیل این اتفاق هم وابستگی مطبوعات به دولت است. دولت باید یارانه بدهد تا روزنامه ها منتشر شوند. یارانه ای که دولت می دهد، هم مشکلات اقتصادی به وجود می آورد (چون بنگاه اقتصادی برای روزنامه ها شکل نمی گیرد و مدیر مطبوعاتی به دنبال درآمدزایی مستقل نیست) و هم باعث می شود تا مطبوعات مستقل نباشند و این عدم استقلال هم مخاطب را پس می زند.

همه این دلایل باعث می شود تا شنیدن خبر توقف انتشار روزنامه اطلاعات بین الملل، ناراحتی عمیق به جا بگذارد، اما تعجب نه. چون با چنین روندی، توقف انتشار این روزنامه نمایی از شروع اتفاق های دیگر و آرام آرام به بن بست رسیدن روزنامه های دیگر است: مگر اینکه روزنامه نگاران و اهالی مطبوعات چاره ای ببیندیشند و عمر رسانه خود را با بازگشت به قواعد اصلی و کلاسیک بیشتر کنند.

پی نوشت: سردبیر روزنامه «اطلاعات بین الملل» با نوشتن یادداشتی اعلام کرد که این روزنامه که ۲۳ سال تمام در نیویورک و لندن توزیع می شد، دیگر توزیع نمی شود. دلایل این توقف هم به میدان رقابت رسانه های مجازی و مکتوب بازمی گشت و هم به بحران مالی و هزینه های سرسام آور انتشارات با علی اکبر قاضی زاده، روزنامه نگار و استاد قدیمی علوم ارتباطات، درباره این موضوع صحبت کردیم.

منبع: اعتماد

هر صورت جهان اهل سنت متوجه برخی مسائل در باره وهابیت شده و حتی اگر هم این موضع گیری ها به صورت مقطعی سرکوب شود، ریشه های اجتماعی یا مردمی آن از بین نمرود و در ادامه خود را به طریق دیگری نشان می دهد. چنانچه آقای احمد الطیب در موضع گیری های دیگر خود در دو سال گذشته، موضع گیری های بسیار خوبی در مورد تشیع داشته و علمای دیگر اهل سنت هم نگاههای مثبتی به موضوع وحدت شیعه و اهل سنت و سایر مسائل امت اسلامی ابراز داشته اند. در واقع هر چند این موضع گیری های مثبت ممکن است دچار سیاست بازی حاکمان شده و موقتا مسکوت شوند، اما در شرایط مقتضی دیگر اظهار خواهد شد و خود را نشان خواهد داد.

لباس علما بر تن کردن برای فتوا دادن کافی نیست

به گزارش تقریب از ارومیه، ماموستا عبدالقادر سهرابی در گفت و گوی اختصاصی اظهار کرد: فتوا عبارت است از نظری که مرجع تقلید درباره مسائل و احکام کلی اسلام بیان می کند لذا مستلزم داشتن شرایط و اصولی است. وی افزود: فرد برای فتوا دادن باید از اصول فقهت، تقوا، کارآمدی، توانایی استنباط احکام شرعی از منابع را داشته باشد. امام جمعه مهاباد تصریح کرد: اگر فردی فاقد شرایط لازم باشد و فتوا صادر کند شاید و مجرم است و قصد فریب مردم با پوشش اسلامی را دارد. وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه تکفیری ها به دنبال تخریب چهره اسلام و اسلام هستند، متذکر شد: تروریست ها و افراط گرایان به دنبال این هستند که اسلام را دین خشونت و ترور معرفی کنند و آن را در انظار جهانیان زشت و خشن جلوه دهند. سهرابی با اشاره به اینکه، به خاک و خون کشیدن مسلمانان بی گناه جنایت هولناکی علیه امت اسلام و بلکه علیه بشریت محسوب می شود، تصریح کرد: اهل سنت این اقدامات را محکوم می کند چرا که براساس قرآن کریم هر فردی که انسانی را به ناحق به قتل برساند گویا بشریت را قتل عام کرده است.

امام جمعه مهاباد، متذکر شد: گروه های تکفیری به اسم خدا و قرآن جنایات زشت را انجام می دهند و این همان چیزی است که دشمنان اسلام می خواهند.

به گفته سهرابی بدون شک طراحان و کارگردانان اصلی این جنایات هولناک دشمنان قشم خورده اسلام و مسلمانان هستند که زیرکانه و حساب شده اهداف شومی را دنبال می کنند و هیچ عکس العملی بهتر از هوشیاری، بصیرت، وحدت کلمه و یکپارچگی مسلمانان نمی تواند آنان را در اهدافشان ناکام بگذارد.

وی تأکید کرد: هدف غرب برهم زدن اتحاد شیعه و سنی است چراکه آنان چشم دیدن این برادری و وحدت شیعه و سنی را ندارند و به همین دلیل همچنان بر حمایت خود از تروریست ها و گروهک های تکفیری اصرار می ورزند.

سهرابی با تأکید به اینکه وظیفه علمای اسلام این است که دست به دست هم دهند و کاری کنند که ریشه افکار انحرافی با منطق و استدلال سوزانده شود، خاطرنشان کرد: سکوت و کم کاری در روشن سازی چهره تکفیری ها سبب خسران و پشیمانی خواهد شد چرا که امروزه استکبار جهانی برای تفرقه بین مسلمانان برنامه ریزی کرده و در گوشه و کنار منطقه آن را اجرا می کند.

نفی وهابیت! در کنفرانس چچن

اشاره

در شهریورماه همایشی باحضور شمار زیادی از علمای اهل سنت به ویژه «احمد الطیب» شیخ الازهر مصر در «گروزنی» پایتخت چچن برگزار شد. شرکت کنندگان در بیانیه پایانی این همایش بر برائت خود از فرقه وهابیت تأکید کردند و آن را خارج از مذهب اهل سنت دانستند. ۲۰۰ نفر از علمای اهل سنت حاضر در همایش، با تأکید بر مشروعیت موسسات دینی سنی شامل «الازهر»، «القرویین»، «الزیتونه» و «حضر موت»، مؤسسات دینی سعودی از جمله «دانشگاه اسلامی» مدینه منوره را در زمره مؤسسات اهل سنت وارد نکردند. طبیعی بود که کنفرانس چچن منجر به واکنش های خشمگینانه از جانب سعودی های وهابی و سلفی ها بشود؛ آنها این همایش را توطئه علیه خود دانسته اند و مفتی های سعودی طی بیانیه ای، این همایش را تفرقه افکن خواندند. در مطلب حاضر کنفرانس اسلامی چچن و تأثیر آن بر دنیای اسلام مورد توجه قرار می گیرد.

برگزاری کنفرانس اسلامی در چچن، نوعی فعالیت خودجوش از جانب مسلمانان چچن بوده است. مردم چچن از نظر تاریخی مردمی صوفی مسلک، اکثرا شافعی و اهل فرقه نقشبندی و بسیار نسبت به مسائل و سرنوشت امت اسلامی احساس تعهد و وظیفه می کنند. لذا هر چند برخی می خواهند برگزاری این کنفرانس در چچن را سیاسی جلوه دهند، اما این امر کار اشتباهی است. در بعد دیگری همواره نوعی تنش تاریخی میان روسیه و چچن برقرار بوده و لذا بعید به نظر می رسد آن ها اهداف روسیه را پیاده کنند. گذشته از این نگاهی به مناسبات روابط قدرت جهانی از جمله روابط مصر و عربستان هم تا حدودی این مسئله را تأیید میکند. در واقع امروزه هر کسی در جهان اسلام که وضعیت فعلی مسلمانان و امت اسلامی را ببیند، نسبت به آن تأسف خورده و احساس وظیفه می نماید. حال گاهی این احساس وظیفه با اقدام عملی قرین میشود و گاهی هم نه. از این جهت برگزاری کنفرانس اسلامی در چچن طبیعی بوده و شائبه سیاسی بودن به آن راه ندارد. هر چند که کارکردهای سیاسی دارد و می تواند به نفع برخی از طرفین و به ضرر برخی دیگر باشد و طبیعی است عده ای بخواهند علیه آن موضع گیری کنند.

گذشته اختلافات و نگاه رهبران اسلامی و نهادهایی چون الازهر به وهابیت

درباره گذشته اختلافات میان اهل سنت و به طور خاص جامعه الازهر با وهابیت باید به چند نکته اشاره کرد. اساسا از ابتدای پیدایش تفکر وهابیت واکنشها به آن از جانب همه امت اسلامی ایجابی نبوده و حالت طرد همواره با شدت و ضعف نسبت به وهابیت وجود داشته و دارد. در هر دوره ای این واکنشها به اشکال مختلف خود را نشان داده است و حتی در درون عربستان هم این مخالفت نسبت به آن وجود داشته است. برای مثال زمانی که محمدبن عبدالوهاب در سرزمین عربستان اعلام موجودیت کرد، از جانب علمای مدینه در مضیقه قرار گرفت و او مجبور به ترک مدینه شد و به نجد رفت. در واقع از لحاظ تاریخی، افکار محمد بن عبدالوهاب وقتی در شبه جزیره طرح شد، با باورهای رایج و پذیرفته شده امت اسلامی تعارضاتی داشت و باعث برانزوا قرار گرفتن وی شد، لذا از مدینه، شهر پیامبر (ص)، خارج و به نجد رفت و در آن جا با محمد بن سعود دیدار و آن ها وی را پذیرفتند. در این بین این پذیرش و ائتلاف مبنای گسترش و تقویت وهابیت گردید. به علاوه اسناد تاریخی نشان میدهد وقتی در سال ۱۸۱۸ میلادی محمدعلی پاشا به دستور سلطان عثمانی حکومت اول وهابی ها را سرنگون کرد، برخی از علمای مکه در نامه ای ضمن تقدیر از محمدعلی پاشا از سرنگونی وهابیان استقبال کردند. از طرف دیگر باید اشاره کرد که به سبب برخی تضادهایی (که وهابیت با باورهای تاریخی و پذیرفته شده امت اسلامی داشت) حتی برادر و پدر محمدبن عبدالوهاب هم با افکارش مخالفت

کردند. برادر وی سلیمان بن عبدالوهاب کتابی به نام «فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبدالوهاب» در رد او نوشت. در این کتاب تأکید شده ایده های محمد بن عبدالوهاب باعث می شود تمام اهل اسلام، کافر قلمداد شوند. محمد عبده متفکر و مصلح معاصر مصری هم در کتابی به نام «الاسلام و النصرانیة، مع العلم و المدینه» وهابیون را تخطئه نموده و افکار آن ها را باعث بروز گسست و تضاد در جامعه اسلامی میدانند. البته اشاره به این نکته ضروری است که ذکر این تاریخچه صرفا بیان و توصیف روابط میان اهل سنت با شخص محمدبن عبدالوهاب و آئین وهابیت بوده که در تاریخ اتفاق افتاده و هیچ گاه به معنای توهین نویسنده به باورهای مذهبی پیروان وهابیت نبوده و صرفا بحثی تاریخی است؛ زیرا عقل حکم میکند که به باورهای دینی دیگران در مقام اثبات و زندگی اجتماعی اهانت نشود.

بستریهای شکل گیری نگاه های منفی مذاهب اهل سنت به وهابیت

مخالفت های اهل سنت با آئین وهابیت ریشه های تاریخی دارد و تقریبا از همان آغاز شروع شد و بنحوی تا دوران معاصر ادامه داشته است. اگر به کتاب ها مراجعه کنیم و لیست کتاب هایی که اهل سنت از مذاهب گوناگون بر علیه آیین وهابیت نوشته اند، را ببینیم فهرست بلند بالایی خواهد شد. مواردی که در قبل بیان شد اشاره ای به برخی از این ردیه ها در برخی مقاطع تاریخی بود. این مخالفت ها دلایل نهادینه شده خود را دارد و همچنان که دلایل باقی باشند مخالفتها و تقابلها نیز ادامه دارند و اساسا این نحوه روابط تقابلی و متخاصمانه هم باید وجود داشته باشد. شما وقتی به طبیعت نگاه میکنید همه پدیده ها مغایر و مختلف اند و همین اختلاف، در فرهنگها و حیات اجتماعی انسانها هم جلوه گر است و لذا هر گروه و نحله ای که اختلاف را نفی کند و بر یکسانی به صورت افراطی تأکید بورزد از هر طرف مورد طرد و نقض قرار میگیرد. به عبارتی مذاهب میتوانند در باره خود ادعای حقانیت کنند، اما باید در نظام حقیقت خود جایی برای مختلف اندیشیدن و مختلف بودن هم باز کنند. این چیزی است که وهابیت بدان تمکین نمیکند و از این جهت همیشه در موضع یک اپوزیسیون در امت اسلامی رفتار مینماید. این در حالی است که حس و باور منطقی بودن اختلاف در طول تاریخ در میان همه مذاهب دیگر اسلامی وجود داشته و دارد.

نوع اختلاف ها و محورهای واگرایی و تضاد مذاهب اهل سنت با سلفی و وهابیت

در مورد نوع اختلافات میان اهل سنت و جماعت و بستریهای ضدیت آن ها با وهابیت می توان به چند مورد اشاره کرد: ریشه اساسی اختلافات در نوع مواجهه هر کدام از این دو طیف یعنی اهل سنت و وهابیت با مفاهیم اسلامی مانند توحید، جهاد، شرک، مدارا و همزیستی دینی است. در واقع مواجهه وهابیت با مسائلی مانند شرک و جهاد و ... مواجهه ای مبتنی بر یک نوع رویکرد ظاهرگرایانه ی ارتدوکس است که دایره توحید و شرک را محدود می کنند، به تکفیری روی می آورند، اکثریت امت اسلام از دایره توحید بیرون شده دانسته و وارد قلمرو شرک می شوند. در این بین تکیه بر ظواهر و تقلیل مقام عقل و عدم توجه به سیره عقلا خود باعث تفسیرهای یک جانبه از متون دینی می شود و باب تکفیر و کشتار و ... را باز می کند. چنانچه اگر با نگاه ضیق و تنگ نظرانه به بحث شرک نگریسته شود، بسیاری از مسلمین مومن و موحد (که در میان مسلمان ها به اسلام و ایمان شناخته می شوند) از دایره اسلام و توحید خارج شده و مشرک قلمداد میشوند.

در کنار این عامل اصلی که نوعی مواجهه خاص با مفاهیم اسلامی و مبتنی بر رویکرد روش شناختی آن هاست، باید به عامل دیگری نیز در این واگرایی

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مغانپه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۲۳ ۱۴۲۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلبه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

«انسانم آرزوست» منتشر شد



و سیاست قرار گرفت. به تازگی کتاب در انسانم آرزوست تألیف محمد اسفندیاری از سوی شرکت سهامی انتشار در ۲۴۶ صفحه منتشر شده است. این کتاب درنگی در کارنامه و اندیشه آیت الله سید محمود طالقانی است و مولف سعی کرده نگاهی اجمالی و دقیق به نظرات طالقانی داشته باشد. مولف درباره اهمیت آیت الله طالقانی می نویسد : دو جنبه از شخصیت طالقانی بس مهم است و شایان عنایت: نخست اینکه او از پیشاهنگان نهضت اصلاح دینی و روشنفکری دینی بود و مردم را به اسلام مترقی فرا می خواند؛ و دوم اینکه از رهبران انقلاب اسلامی ایران بود و مرد شماره دو آن و انقلاب را به سمت دین عقلانی – انسانی دلالت می کرد.

در این اثر مولف کوشیده طالقانی و تاریخ را چنانکه بوده وصف کند بر این اساس کتاب را در دو بخش گردآورده است. در بخش نخست به کارنامه و زندگی طالقانی نگاه شده و در بخش دوم اندیشه‌های طالقانی مانند دعوت به اسلام سیاسی، دغدغه عدل و ظلم، دردمندی، آزادی، تسامح، شورا و اقتصاد اسلامی بحث شده است.

جهان در بحران؛ پایان قرن آمریکایی

معرفی کتاب: امروزه بسیاری از محققان و اندیشمندان، از افول قدرت آمریکا در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی سخن به میان می‌آورند که شاید این افول در حوزه اقتصادی و با ظهور قدرت

های جدید بروز و ظهور بیشتری داشته باشد. پیدایش قدرت های نوظهور، یکی از مختصات مهم چشم انداز بین المللی روزگار جدید است. قدرت یابی کشورهای چین، هند، برزیل و روسیه (موسوم به بریک)، و نقش آفرینی آنها در عرصه روابط بین الملل، بالطبع سیاست های جهانی را متغیر ساخته و در سیاست گذاری بازیگران بین المللی، بازتاب می یابد.

چین یکی از کشورهایی است که در دهه های اخیر رشد اقتصادی بالایی داشته و یکی از قدرت های بزرگ اقتصادی دنیا به شمار می آید. در حال حاضر، چین بیشترین ذخیره ی ارز خارجی را در



سنت اهدای کتابخانه

ایران، ۶۰۰عنوان بوده است. امروز این رقم به ۶۰ تا ۷۰هزار عنوان رسیده است. ما سعی کردیم این فکر را بین اهل علم و استادان نشر بدهیم که کتاب‌هایشان را هدر ندهند و حرامشان نکنند. بهترین کار برای یک عالم این است که کتابخانه اش را اهدا کند. برخی از بزرگان هم کتابخانه شان را در زمان حیات می فروشند که این کار باز از حراج کتاب‌ها در کنار خیابان بهتر است.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به خرید کتابخانه استاد نجفی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی گفت: تا به حال استادان معاصر ۱۰ کتابخانه را به کتابخانه بنیاد اهدا کرده و یا فروخته اند. کتابخانه استاد نجفی یکی از کتابخانه‌هایی بود که ژاپنی‌ها به واسطه وجود کتاب‌های ایران شناسی در آن قصد خریدش را داشتند ولی رهبر انقلاب هزینه خریدش را به ما داده و ما این کتابخانه را خریدیم. وی در پایان سخنانش گفت: امروز با اهدای این سه کتابخانه، این سنت خوب تداوم پیدا می کند. امیدوارم از کار ساختمان نیمه کاره بنیاد دایره المعارف اسلامی گره گشایی شود. آن ساختمان ظرفیت یک میلیون جلد کتاب را دارد.

افتتاح بزرگ‌ترین کتابخانه عمومی در زنجان

و گسترش استان زنجان در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد.

استاندار زنجان نیز در این مراسم با بیان اینکه تعامل، همدلی و همراهی در میان مردم و مسئولین بسیار بالا است و فضای این استان برای فعالیت در حوزه فرهنگی و هنری بسیار مساعد و ایده‌آل است گفت: در کنار شور و شعور حسینی و عشق به اهل بیت و سیدالشهدا(ع) فضای خوبی در حوزه فرهنگی این استان وجود دارد. مهندس اسدالله درویش‌امیری با اشاره به اینکه بنیاد فرهنگی دکتر مصلی نژاد یکی از بنیادهای غیر تجاری است، افزود: در کشور اکثر بنیادها ماهیتی تجاری و اقتصادی دارند ولی این بنیاد مقاصد غیر تجاری و غیر سیاسی دارد و با اهداف آموزشی و فرهنگی فعالیت می‌کند. این کتابخانه با ۲۰ هزار نسخه کتاب دارای بخش‌های مختلفی از جمله سالن مطالعه برادران و خواهران به صورت مجزا، مخزن کتاب، سالن کنفرانس، مرجع، محققین، نشریات، اینترنت، دفاع مقدس، زنجان شناسی، کلاس آموزشی، نگارخانه و بخش ویژه کودک و نوجوان می‌باشد.

هم مثل خودش کتاب دوست باشند و تازه اگر هم باشند مشخص نیست که به همان راه حوزه کاری پدرشان بروند. فکر می کنم ۱۰ درصد از فرزندان راه ذوقی کتاب‌های پدرانشان را ادامه می دهند. اما در اکثر مواقع فرزندان می گویند این چه کاری بود؟ ای کاش پدرمان به جای این کتاب‌های بی مصرف، زمین خریده بود!

وی افزود: حتما گاهی کنار خیابان انقلاب، دیده اید که کتاب‌هایی را کیلویی خریده و دانه ای می فروشند. خلاصه این که، حاصل عمر یک نفر به این شکل، کنار خیابان به باد می رود. این سرنوشت بسیاری از کتابخانه‌هاست. در تقابل با این وضعیت، یک سنت خوب وجود داشته که برای دیروز و امروز نیست و ریشه در گذشته دارد و آن سنت، اهدای کتابخانه‌های شخصی به کتابخانه‌های بزرگ است. در کشور خودمان هم چند کتابخانه داریم که اگر این سنت خوب نبود، به شکل امروزشان نبودند. حداد عادل گفت: سنت اهدای کتابخانه باید در جامعه توسعه پیدا کند و این حرف‌ها و کتابخانه‌های بزرگ مربوط به زمانی است تعداد کتاب‌های چاپ شده در سال، در ایران بالای چندصد عنوان نبوده است. در سال ۵۱تعداد کتاب‌های چاپ شده در

برکت و عالم خیزی است که همواره در دوران‌های مختلف عالمان بنامی را در خود پرورش داده است و در حال حاضر نیز عالمانی که مایه افتخار جهان اسلام هستند متعلق به این استان می‌باشد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه باید در جهت گسترش و توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی در کشور تلاش جدی صورت گیرد افزود: در سال گذشته حدود هشتاد هزار عنوان کتاب در کشور چاپ شده است که بخشی زیادی چاپ اول و تعدادی نیز چاپ مجدد می‌باشد.

وی به هدایت افراد به سیر مطالعاتی و گسترش فرهنگ مطالعه در کشور تأکید کرد و گفت: فضای مجازی باعث می‌شود افراد کمتر به کتابخانه‌ها مراجعه کنند ولی از سویی باعث دسترسی افراد به کتابخانه‌های بزرگ دنیا را فراهم ساخته است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه یکی از امتیازات بزرگ استان زنجان که در کشور کم نظیر است علاوه بر وجود معادن، امکانات کشاورزی، صنعتی و امکانات معنوی، شخصیت‌های علمی و فرهنگی، وجود همدلی و هماهنگی بین شخصیت‌های استان است که یکی از رموز توسعه

رئیس بنیاد دایره المعارف اسلامی گفت: در مقابل حراج و فروش کتابهای استادان در کنار خیابان، سنت اهدای کتابخانه استادان وجود دارد که باید این سنت حسنه گسترش پیدا کند.

به گزارش خبرنگار مهر، مراسم رونمایی از مجموعه کتاب‌های اهدایی استاد محسن جهانگیری، مرحوم محمدعلی سپانلو و مرحوم محسن هشترودی صبح دیروز با حضور دکتر غلامعلی حدادعادل ریاست این بنیاد و استاد جهانگیری در محل بنیاد دایره المعارف اسلامی برگزار شد.

حدادعادل در ابتدای سخنرانی اش در این برنامه، ضمن خاطره گویی از سه استادی که کتابخانه‌های خود را به کتابخانه بنیاد دایره المعارف اسلامی اهدا کرده اند، گفت: سرنوشت کتاب‌ها معمولا تراژیک است. مثلا شخصی ۶۰یا ۷۰سال کتاب خریده و گردآوری می کند و آن‌ها را مانند فرزندان دوسـت دارد و جای هرکدام را هم در کتابخانه می داند؛ حاشیه کتاب‌ها مطلب یا نقد نوشته و در هر کدام ارجاعاتی داده است. چنین شخصی دلش به حاصل عمرش خوش است اما بعد از او چه اتفاقی می افتد؟ معلوم نیست فرزندان

با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بزرگترین کتابخانه عمومی خیرساز کشور در زنجان افتتاح شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور در مراسم افتتاح هفتمین کتابخانه خیرساز استان و بزرگترین کتابخانه خیرساز کشور که توسط بنیاد فرهنگی دکتر مصلی نژاد احداث شده گفت: ستارگان بسیار درخشانی از خطه زنجان در آسمان ادب و فرهنگ می‌درخشند و استان زنجان با پرورش ده‌ها شخصیت، سهم بزرگی در توسعه فضای علم و فرهنگ کشور دارد.

دکتر علی جنتی با بیان اینکه کتاب وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ، علم و دانش است و ما افتخار داریم که از دیرباز کتابخانه‌های بزرگ و مختلفی توسط خیرین در کشور شکل گرفته است گفت: خیرین در کنار تمام فعالیت‌های خیری که در عرصه‌های مختلف دارند، از نظر معنوی نیز اقدام به مدرسه سازی و کتابخانه سازی کرده‌اند و امروز کتابخانه‌های بسیار بزرگی که در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد در اثر تلاش افراد خیر ایجاد شده است.

وی خاطرنشان ساخت: استان زنجان دیار با

معرفی دو کتاب از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

دنیا دارد و از آنجا که قسمت اعظم این ذخیره‌ی ارزی در ایالات متحده سرمایه‌گذاری شده، ترس آمریکا از خروج این سرمایه، به اهرم فشار قدرتمندی برای چین تبدیل شده است.

کارشناسان پیش بینی میکنند روند صعودی پیشرفت چین تسریع خواهد یافت و به مرور علاوه بر تضعیف آمریکا و قدرتهای غربی، برخی از آنان را از صحنه تصمیم گیری های مهم و حیاتی اقتصاد جهان حذف خواهد کرد. هند و برزیل نیز روندی همچون چین را طی کرده و در حال تسخیر عرصه های سیاسی و اقتصادی جهان هستند. طبق پیش بینی ها، این دو کشور طی یک دهه آینده به رده های پنجم و ششم اقتصاد جهانی صعود خواهند کرد. روسیه نیز با فروش نفت و گاز به لحاظ اقتصادی ثروتمند شده و با اینکه هزینه های نظامی اش بسیار کمتر از ایالات متحده بوده، هنوز از نظر تسلیحات هسته‌ای هم تراز ایالات متحده است.

اوضاع آمریکا در عرصه ی سیاست خارجی به ویژه در منطقه ی حساس خاورمیانه نیز تعریف چندانی ندارد. جنگ‌های افغانستان و عراق به جای آنکه بر قدرت پنتاگون صحه بگذارد، بار دیگر ضعف

ایالات متحده را آشکار ساخت. و بدتر از همه اینکه به اعتقاد کارشناسان، جنگ بوش در عراق، ایران را به قدرت برتر منطقه‌ی خاورمیانه مبدل ساخت و موازنه‌ی قدرت را به نفع دشمن اصلی ایالات متحده در منطقه تغییر داده است. ارتش آمریکا تقریباً نیمی از مخارج نظامی جهان را به خود اختصاص می‌دهد، اما از پیروزی در دو جنگ علیه ساده‌ترین دشمنانش عاجز مانده است. جنگ‌های ایالات متحده در عراق و افغانستان نه تنها موجب ریشه کن شدن تروریسم نشده بلکه بهشت آن را گسترش داده است.

کتاب «جهان در بحران» به قلم گابریل کولکو، در یک مقدمه و هفت فصل به مشکلات و بحران های پیش روی ایالات متحده در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی پرداخته، شکسته شدن هژمونی و پایان استیلای آمریکا در جهان را روایت می کند.

علل همگرایی ایران و سوریه

معرفی کتاب: با پیروزی انقلاب اسلامی امواج بیداری اسلامی در منطقه ی آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا به پاخاست و محور مقاومت با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایجاد گردید. دیری نپایید که



مبارزان مسلمان فلسطین و لبنان به محور مقاومت پیوستند و دولت سوریه نیز به دلیل اختلافات شدید سیاسی و امنیتی با رژیم اشغالگر قدس به این محور پیوست. حضور سوریه در محور مقاومت در برابر نظام سلطه، حمایت سوریه از ایران در

جنگ با عراق، تحولات منطقه ی عربی و منافع مشترک ایران و سوریه از مهمترین دلایل همگرایی ایران و سوریه بوده است. در واقع وجود دشمنان، دیدگاهها و منافع مشترک این دو کشور را به هم نزدیک کرده است. این عوامل باعث پیدایش راهبرد مشترک بین سوریه و ایران شده است. در شرایط کنونی سوریه کمر محور مقاومت میبشد که اگر کمر محور مقاومت شکسته شود، میتواند آسیب جدی به محور ضد نظام سلطه و آمریکا وارد سازد. از سوی دیگر حمایت ایران برای سوریه امری حیاتی است و این کشور بدون ایران در شرایط کنونی نمیتواند به حیات خود ادامه دهد و با کمک ایران میتواند به عنوان یک کشور تأثیرگذار و راهبردی در منطقه باقی بماند